



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

DOI: 10.22067/social.2023.80036.1276

مقاله پژوهشی

منابع طبیعی و توسعه: تحلیل پانلی شناسایی کانال‌های اجتماعی انتقالی

علی سالار (استادیار، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه نیشابور، نیشابور، ایران)

a.salar@neyshabur.ac.ir

چکیده

اثر تسهیل‌کنندگی/تضییق‌کنندگی منابع طبیعی نظیر نفت و گاز بر توسعه جوامع، از کانال‌های میانجی گوناگونی صورت می‌گیرد، اما با توجه به خلأ تحقیقاتی در حوزه مکانیسم‌های اجتماعی واسط، هدف از انجام تحقیق حاضر، بررسی نقش مکانیسم‌های اجتماعی واسط در انتقال تأثیرات علی منابع طبیعی بر توسعه جوامع و نیز تعیین سهم نسبی هریک از این کانال‌های مذکور بود. تحقیق حاضر با روش تحلیل پانلی داده‌های مربوط به ۱۳۳ کشور در بازه زمانی سال‌های ۲۰۰۰-۲۰۱۳، صورت گرفت. یافته‌ها نشان می‌دهد، لحاظ کانال‌های میانجی واسط، اثر مستقیم منابع طبیعی بر توسعه را ناپدید می‌کند. مدلول نکته مذکور این است که منابع طبیعی عمدتاً به صورت غیرمستقیم‌اند که نقش علی دارند. همچنین یافته‌ها نشان داد، منابع طبیعی از طریق کانال‌های اجتماعی سرمایه انسانی، کیفیت نهادی و نیز سطح ثبات اجتماعی بر سطح توسعه جوامع تأثیر می‌گذارند. یکی از مهم‌ترین یافته‌های تحقیق حاضر که بدنه دانش شکل گرفته در این حوزه را به پیش می‌راند، این است که سرمایه انسانی، مهم‌ترین کانال اجتماعی تأثیر منابع طبیعی بر توسعه جوامع است. پیامدهای توسعه‌ای منفی جوامع برخوردار یا وابسته به منابع طبیعی نفت، عمدتاً از طریق تضعیف ساختار سرمایه انسانی روی می‌دهد؛ پیامدی که البته با سیاست‌گذاری مناسب امری اجتناب‌ناپذیر نیست.

کلیدواژه‌ها: منابع طبیعی، توسعه، کانال‌های اجتماعی، سرمایه انسانی، ثبات.

نشریه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، سال نوزدهم، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۱، شماره پیاپی ۴۱ صص ۲۰۱-۲۳۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۲۲ تاریخ تصویب: ۱۴۰۱/۱۰/۲۸

۱. مقدمه

یکی از محورهای اساسی در ادبیات توسعه، چه به تلویح و چه به تصریح، توجه به «منابع طبیعی»^۱ و پیامدهای بالقوه آن برای توسعه و رشد جوامع بوده و است. شواهد برآمده از ادبیات حوزه مزبور حاکی از این است که منابع طبیعی، نظیر نفت و دیگر انواع آن، یکی از پرپیامدترین واقعیت‌های موجود در جهان‌اند که بر ابعاد گسترده‌ای از حیات جوامع، از حیات فرهنگی، اجتماعی گرفته تا حیات سیاسی و اقتصادی آن‌ها تأثیر می‌گذارند. در برخی از مهم‌ترین درگیری‌ها و نزاع‌ها، منابع طبیعی و نفت نقش داشته‌اند. همچنین ابتدای برخی از اقتصادها نظیر اقتصاد ایران بر منابع طبیعی و به‌طور مشخص نفت، از دیرباز مسائلی را ایجاد کرده است و به‌صورت انباشتی، وزن بیشتری در ایجاد و ابقای مسائل اقتصادی و اجتماعی یافته است.

منابع طبیعی در ادبیات حوزه توسعه، تعریف نسبتاً روشنی دارد؛ دارایی‌های^۲ نظیر نفت، گاز، منابع معدنی و... که در طبیعت وجود دارند و حائز پیامدهایی برای حوزه اقتصادی یک جامعه هستند. منابع مزبور، استخراج‌شدنی‌اند و نه تولیدی؛ ازاین‌رو خارج از چارچوب فرایندهای تولیدی بنگاهی هستند و فاقد پیامدهای اشتغال‌زایی به معنای متعارف کلمه هستند. نفت و گاز، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و گران‌ترین منابع طبیعی کنونی در جهان، در مقایسه با سایر بخش‌های اقتصادی، نرخ اشتغال‌زایی اندکی را برای جوامع به ارمغان می‌آورند (کارل، ۲۰۰۷)؛ به همین دلیل است که بیشتر، به دارایی و نه منبع درآمد از آن یاد می‌شود (بادیب و همکاران، ۲۰۱۷).

۱.۱. بیان مسئله

نکته ذکرشدنی و برآمده از ادبیات حوزه توسعه این است که گویا، منابع طبیعی دو پیامد بالقوه متضاد برای جوامع دارند: از یک سو، برخی از تحقیقات حوزه منابع طبیعی (نظیر

1. Natural resources
2. Assets

هاباکوک، ۱۹۶۲؛ دیویس، ۱۹۹۵؛ لیت و ویدمن، ۱۹۹۹؛ سالای مارتین و سابرامانین، ۲۰۱۳؛ هادیان و میرهاشمی، ۱۳۹۷؛ شهباز و همکاران، ۲۰۱۹، ۲۰۲۰؛ اولایونگبو، ۲۰۱۹؛ وو و همکاران، ۲۰۱۸؛ زاگزینا، ۲۰۱۴؛ مشیری و حیاتی، ۲۰۱۷؛ ژو و جک، ۲۰۱۴؛ فرهادی و همکاران، ۲۰۱۵؛ آلکوت و کنیستون، ۲۰۱۸؛ کولژینا و آلمیدا، ۲۰۱۴؛ آپرجیس و پاین، ۲۰۱۴؛ حسین و همکاران، ۲۰۲۱) نشان داده‌اند که منابع طبیعی، واجد پیامدهای مثبت برای رشد و توسعه اقتصادی جوامع بوده‌اند و نقشی تسهیل‌کننده را ایفا کرده‌اند. به‌زعم کاربونیر و همکاران (۲۰۱۱)، تاریخ اقتصادی جهان نشان می‌دهد که کشورهای دارای منابع طبیعی به توسعه دست‌یافته‌اند. به نظر می‌رسد که منابع طبیعی، به‌طور بالقوه حائز پیامدهای توسعه‌ای مثبت برای جوامع باشند. عواید ناشی از استخراج منابع طبیعی را می‌توان برای تأمین مالی کالاهای عمومی و زیرساخت‌ها و ترفیع مصرف خصوصی و عمومی در جهت افزایش سطح استانداردهای زندگی به کار بست (بادیب و همکاران، ۲۰۱۷). از سوی دیگر، اما شواهد چیز دیگری را نیز نشان می‌دهند؛ تحقیقاتی (نظیر ویلدر، ۱۹۸۴؛ برگ و همکاران، ۱۹۹۴؛ دی-لانگ و ویلیامسون، ۱۹۹۴؛ آپرجیس و پاین، ۲۰۱۴؛ آرزکی و ون‌درپلوگ، ۲۰۱۱؛ احمد و همکاران، ۲۰۱۶؛ ماوروتاس و تورس، ۲۰۱۱؛ اوتی و فورلانگ، ۲۰۱۹؛ آتکینسون و همیلتون، ۲۰۰۳؛ دینگ و فیلد، ۲۰۰۵؛ کیم و لین، ۲۰۱۶؛ گرلما و کوتانی، ۲۰۱۶؛ نوت، ۲۰۱۷؛ سالای مارتین و سابرامانین، ۲۰۱۳؛ مهلوم و همکاران، ۲۰۰۶؛ یائو و دانگ، ۲۰۱۹؛ الکسیو و کانورد، ۲۰۰۹؛ درگاهی، ۱۳۸۷؛ رضایی و همکاران، ۱۳۹۴؛ قذدر و هاوسن، ۲۰۱۹؛ ون‌درپلوگ، ۲۰۱۱؛ یاوروی و سلمانی، ۱۳۸۴؛ یاوروی و همکاران، ۱۳۹۰؛ اوبا، ۲۰۱۶) نشان داده‌اند که منابع طبیعی، پیامدهای توسعه‌ای منفی برای جوامع به بار می‌آورد و حاوی نقشی تضییق‌کننده هستند. تحقیقات مذکور، گاهی از حیث نوع منابع طبیعی مدنظر و جوامع تحلیل‌شده تفاوت‌هایی باهم دارند، اما به‌طور کلی، فضای حاکم بر ادبیات این حوزه را نشان می‌دهند.

بنابراین نمی‌توان به صورت یک قاعده کلی اظهار کرد که منابع طبیعی، دارای پیامدهای منفی یا مثبت برای توسعه هستند؛ بلکه بسته به زمینه و مکانیسم‌های دست‌اندرکار، منابع طبیعی می‌توانند نتایج متفاوتی را به بار آورند. منابع طبیعی نظیر نفت، به خودی خود تسهیل‌کننده یا تضییق‌کننده توسعه نیستند؛ بنابراین رابطه مستقیم میان این دو وجود ندارد (کارل، ۲۰۰۷: ۶۶۳-۶۶۵)؛ به همین دلیل، صرف نشان دادن رابطه میان منابع طبیعی و توسعه، کفایت نمی‌کند، بلکه باید به مکانیسم‌های واسط میان این دو نیز توجه کرد (بادیب و همکاران، ۲۰۱۷: ۱۲۵-۱۲۷). تحقیقات نشان داده‌اند که منابع طبیعی به‌عنوان پدیده‌ای چندبعدی، صرفاً از کانال‌های اقتصادی واجد تأثیرات علی بر توسعه نیستند؛ بلکه مکانیسم‌های اجتماعی نیز به همان اندازه ایفای نقش می‌کنند. به همین دلیل، تحقیق حاضر در پی بررسی کانال‌های اجتماعی تأثیرگذاری منابع طبیعی بر توسعه و تعیین سهم نسبی هریک از کانال‌های مزبور است. جست‌وجوی محقق در ادبیات این حوزه تحقیقی را نشان نداده است که به‌طور مشخص بر کانال‌های اجتماعی واسط این رابطه و وزن علی هریک از کانال‌های مذکور پردازد.

۲. مبانی نظری

۱.۲. پیشینه تجربی

مرور ادبیات تجربی این حوزه نشان می‌دهد که در نگاهی کلی می‌توان تحقیقات صورت‌گرفته در زمینه پیامدهای توسعه‌ای منابع طبیعی را به دو دسته تقسیم کرد: دسته‌ای از تحقیقات به تأثیر مستقیم منابع طبیعی بر توسعه و رشد اقتصادی جوامع تمرکز کرده‌اند؛ هرچند به‌طور ضمنی و نظری به کانال‌های میانجی نیز توجه کرده‌اند (نظیر آوتی و فورلانگ، ۲۰۱۹؛ یائو و دانگ، ۲۰۱۹) و دسته‌ای از تحقیقات، به‌صراحت به بررسی کانال‌های میانجی تأثیر منابع طبیعی بر توسعه یا رشد پرداخته‌اند (نظیر آریف و همکاران، ۲۰۲۱، لینک؛ دنلی و همکاران، ۲۰۱۹؛ آراجی، ۲۰۱۴؛ رابینسون، توروک و ردبر، ۲۰۰۶؛ بالت و همکاران، ۲۰۰۴؛

پگ، ۲۰۱۰؛ شارما و کومار میشر، ۲۰۲۲). تحقیقات دسته دوم را نیز می‌توان از حیث نوع کانال میانجی به دسته‌هایی تقسیم کرد. با توجه به اهداف تحقیق حاضر می‌توان کانال‌های میانجی را در مجموع به دو دسته کانال‌های اقتصادی (کانال‌های حائز وجوه سخت) و کانال‌های غیراقتصادی (کانال‌های حائز وجوه نرم تقسیم کرد^۱ (کورتز و بروکس، ۲۰۱۱: ۷۴۸؛ بادیب و همکاران، ۲۰۱۷). برخی از تحقیقات (نظیر گیلفاسون و زوئگا، ۲۰۰۶؛ بلانکو و گریر، ۲۰۱۲؛ هنریکس و سادورسکی، ۲۰۱۱؛ مینگوی، ۲۰۱۱) به‌طور مشخص به بررسی کانال‌های اقتصادی تأثیر منابع طبیعی بر عملکرد توسعه‌ای جوامع توجه کرده‌اند و دسته‌ای از تحقیقات (نظیر لیندرز و سوفاکیاناکید، ۲۰۰۳؛ کونارد و همکاران، ۲۰۱۹؛ هوشمند و همکاران، ۲۰۱۳؛ فای سا و نیسا، ۲۰۱۳) نیز کانال‌های میانجی غیراقتصادی میان منابع طبیعی و توسعه جوامع را مدنظر قرار داده‌اند.

توضیح بیشتر آنکه، با الهام از دسته‌بندی چلبی (۱۳۹۵) از امر اجتماعی و با توجه به اهداف اصلی تحقیق، می‌توان تحقیقات این حوزه را از حیث نوع کانال‌های مدنظر دسته‌بندی و بررسی کرد: دسته‌ای از تحقیقات که تمرکزشان بر کانال‌های اقتصادی تأثیر منابع طبیعی بر توسعه و رشد اقتصادی جوامع بوده است، بر عواملی نظیر پس‌انداز و انباشت سرمایه فیزیکی تمرکز کرده‌اند (گیلفاسون و زوئگا، ۲۰۰۶؛ ون‌دیک، ۲۰۱۳؛ آراجی، ۲۰۱۴؛ چارلز، ۲۰۰۷؛ بلانکو و گریر، ۲۰۱۲). مدعای اصلی کانال علی‌مذکور این است که ثروت بادآورده منابع طبیعی، تمایل خانوار به پس‌انداز و بنگاه به انباشت سرمایه را کاهش می‌دهد و همین امر در درازمدت، سرمایه‌گذاری در این نوع از اقتصادها را با چالش مواجه می‌کند (پاپیراکیس و گلارگ، ۲۰۰۷: ۱۰۲۳-۱۰۲۰). دسته‌ای دیگر از تحقیقات به کانال اقتصادی توسعه مالی (نظیر دومفور و نتو گیمیفی، ۲۰۱۸؛ مارگوس و همکاران، ۲۰۱۶؛ کورونن، ۲۰۱۵؛ تز و همکاران، ۲۰۱۵؛ باتاچاریا و هودلر، ۲۰۱۴؛ اسدی و همکاران، ۱۳۹۲؛ رامز و

۱. برای تمیز امر اجتماعی به دو وجه نرم و سخت، ر.ک. چلبی، ۱۳۷۵

همکاران، ۲۰۱۶)، نابرابری اقتصادی (مطالعات گوین و هاوسمن، ۱۹۹۸؛ لیمر و همکاران، ۱۹۹۹؛ راس، ۲۰۰۷؛ آوتی، ۲۰۰۱؛ هاوی و آتخانووا، ۲۰۱۴؛ گیلفاسون و زوئگا، ۲۰۰۶؛ پارکرو و پاپیراکیس، ۲۰۱۶؛ استیونس، ۲۰۰۳؛ بوکلیتو و میکوییکز، ۲۰۰۹؛ شوبرت، ۲۰۰۶؛ گودریس و مالون، ۲۰۱۱)، و نوسانات قیمتی (مطالعات سلیم و رفیق، ۲۰۱۱؛ گوو و کلیسن، ۲۰۰۵؛ مسیح و همکاران، ۲۰۱۱؛ هنریکس و سادورسکی، ۲۰۱۱؛ آنتوتاکاکیس و همکاران، ۲۰۱۸) توجه نشان داده‌اند و برخی از تحقیقات این حوزه نیز به بیماری هلندی (نظیر رحمانی و گلستانی، ۲۰۰۹؛ مینگوی، ۲۰۱۱؛ توروویک، ۲۰۰۱؛ براوو ارتگا و گریگوریو، ۲۰۰۵؛ پگ، ۲۰۱۰) توجه کرده‌اند که از نظر لیمی (۲۰۰۷)، مهم‌ترین کانال اقتصادی تأثیر منابع طبیعی بر عملکرد توسعه‌ای جوامع است. تأثیر علی کانال مذکور که برای اولین بار کردن و نیری (۱۹۸۲)، کردن (۱۹۸۴) و وان ویجنبرگن (۱۹۸۴) تدوین کردند، بدین صورت است که رشد عواید ناشی از فروش منابع طبیعی سبب افزایش درآمد داخلی، فشار تقاضا و در نتیجه تورم و افزایش نرخ بهره حقیقی می‌شود که از طریق افزایش قیمت نسبی کالاهای غیرمنبعی^۱ و کاهش سطح رقابت‌پذیری آن‌ها، جذابیت سرمایه‌گذاری در آن‌ها را کاهش می‌دهد (اثر هزینه‌ای)^۲. مسیر دیگر تأثیر علی مذکور به این صورت است که نهاده‌های داخلی تولید نظیر نیروی کار و مواد اولیه به سمت منابع طبیعی می‌روند؛ در نتیجه قیمت تولید در سایر بخش‌های غیر منبعی (نظیر صنایع تولیدی کارخانه‌ای و کشاورزی) افزایش می‌یابد و به تضعیف آن‌ها منجر می‌شود (اثر کششی)^۳ (جیمز و آدلند، ۲۰۱۱؛ اورهارت، ۲۰۱۰).

دسته‌ای از تحقیقات که به صراحت و نه به طور تلویحی به بررسی کانال‌های غیراقتصادی تأثیر منابع طبیعی بر توسعه و رشد اقتصادی توجه کرده‌اند، به نقش میانجی‌گر سرمایه انسانی توجه کرده‌اند (نظیر بالت و همکاران، ۲۰۰۴؛ گیلفاسون، ۲۰۰۱؛ لیدرمن و مالونی، ۲۰۰۷؛ بهبودی و همکاران، ۱۳۸۸؛ پیندا و رودریگز، ۲۰۱۱؛ محمودی، ۱۳۸۶؛ دیویس و کوبنلیوان،

1. Non-resource commodities
2. Spending effect
3. Pull effect

۲۰۰۶؛ رانیز، ۲۰۰۴؛ صفاریان و همکاران، ۱۳۹۰؛ برای مثال، گلیفاسون (۲۰۰۱) نشان می‌دهد که کشورهای واجد منابع طبیعی بیشتر، در اقتصادشان نیاز کمتری به مهارت‌های قوی دارند؛ بنابراین بین میزان منابع طبیعی و نرخ ثبت‌نام در تمامی سطوح، رابطه منفی و معنادار وجود دارد.

شاخه دیگری از تحقیقات این حوزه، ساختار نهادی را به‌عنوان کانال میانجی انتقال تأثیر علی منابع طبیعی بر عملکرد توسعه‌ای جوامع در نظر گرفته است. در تحقیقات گوناگون، ساختار نهادی با مضامین متفاوتی در نظر گرفته شده است؛ برای مثال، برخی از تحقیقات به نقش میانجی کیفیت نهادی و حاکمیت قانون (نظیر هوشمند و همکاران، ۲۰۱۳؛ شاه‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۳؛ سالای مارتین و سوبرامانیا، ۲۰۱۳؛ ایشام و همکاران، ۲۰۰۵؛ لایت و ویدمن، ۱۹۹۹؛ عبادی و نیکو نسب، ۱۳۹۱؛ دانیل، ۲۰۱۱؛ مینگوی، ۲۰۱۱؛ مهرآرا و کیخا، ۱۳۸۷؛ ابراهیمی و سالاریان، ۱۳۸۸؛ وینسته، ۲۰۱۰؛ ویلیامز، ۲۰۱۱؛ بالت و همکاران، ۲۰۰۴؛ بهبودی و همکاران، ۱۳۹۱؛ پورجوان و همکاران، ۱۳۹۳) توجه داشته‌اند و عمدتاً بر تأثیر منفی منابع طبیعی بر کیفیت نهادی و حاکمیت قانون و مقررات دست یافته‌اند. دسته‌ای دیگر از تحقیقات به نقش میانجی شیوه حکمرانی، پاسخگویی و ویژگی‌های دموکراتیک توجه داشته‌اند و پیامدهای منفی و فور یا وابستگی به منابع طبیعی را در این حوزه نشان داده‌اند (نظیر راس، ۲۰۰۱؛ اسلکسن، ۲۰۰۹؛ تی‌سویی، ۲۰۱۱؛ معینی‌فرد و مهرآرا، ۱۳۹۴؛ مک‌دونالد و گری، ۲۰۰۳؛ وانتچکن، ۲۰۰۲؛ دی‌جان، ۲۰۰۷؛ مهلوم و همکاران، ۲۰۰۶؛ دانیله، ۲۰۱۱؛ واگنر، ۲۰۰۴). برخی از تحقیقات نیز بر عواقب فسادزا و رانت‌زای منابع طبیعی توجه کرده‌اند (لین و تامل، ۱۹۹۹؛ محمدزاده و کندی، ۱۳۸۸؛ بلاند و فرانکوویز، ۲۰۰۰؛ توروویک، ۲۰۰۲؛ هولدر، ۲۰۰۶؛ گوئل و کورونن، ۲۰۰۹؛ لیندرز و سوفاکیاناکید، ۲۰۰۳؛ پندرگاست، کلارک و ون‌کوتن، ۲۰۱۳؛ رابینسون، توروویک و ردیر، ۲۰۰۶). اکثر تحقیقات این شاخه نشان داده‌اند که منابع طبیعی، پیامدهایی منفی بر ساختار نهادی جوامع اعمال می‌کنند، اما تحقیقاتی نیز بوده‌اند که خلاف جریان غالب را نشان داده‌اند که منابع

طبیعی در کنار ساختار حکمرانی خوب، اثر مثبت بر رشد اقتصادی دارد (نظیر جلیلی و سلمانی، ۱۳۹۷؛ بهاتاچریا و هولدر، ۲۰۱۰؛ آرزکی و گیلفاسون، ۲۰۱۱).

شاخه دیگری از تحقیقاتی که به کانال‌های اجتماعی میانجی‌گر تأثیر منابع طبیعی بر عملکرد اقتصادی جوامع توجه کرده‌اند، تأثیر منابع طبیعی بر بی‌ثباتی و جنگ داخلی را مدنظر قرار داده‌اند (مور، ۱۹۹۸؛ اسمیت، ۲۰۰۶؛ دی‌جان، ۲۰۰۷؛ لیندرز و سوفاکیاناکید، ۲۰۰۳؛ دسویسا، ۲۰۰۳؛ فیرون و لایتین، ۲۰۰۳؛ کارل، ۱۹۹۷؛ سینی و همکاران، ۲۰۲۱؛ کونارد و همکاران، ۲۰۱۹؛ تیسن، ۲۰۱۲؛ سورنز، ۲۰۱۱؛ لوجالا، ۲۰۰۹، ۲۰۱۰؛ تیس، ۲۰۱۰؛ بلوز و میگوئل، ۲۰۰۹؛ باسدائو و لی، ۲۰۰۹؛ لوجالا و همکاران، ۲۰۰۵؛ آدواریو و همکاران، ۲۰۱۸؛ اوردال، ۲۰۰۸؛ دنلی و همکاران، ۲۰۱۹، و سکو و همکاران، ۲۰۲۰؛ کریستنسن، ۲۰۱۹؛ هومفیرز، ۲۰۰۵؛ آریف و همکاران، ۲۰۲۱؛ ولج، ۲۰۰۸؛ کولیر و هوفلر، ۲۰۰۴؛ کولیر و هوفلر، ۱۹۹۸). طبق این دسته از تحقیقات، کشورهای واجد دارایی منابع طبیعی نظیر نفت، پتانسیل زیادی برای وقوع تضاد و بی‌ثباتی دارند و از این طریق، توسعه و رشد اقتصادی آن جوامع تحت تأثیر قرار می‌گیرد.

مرور ادبیات ذکر شده نشان می‌دهد که در غالب تحقیقات در این حوزه، منابع طبیعی از طریق تأثیرگذاری بر کانال‌های اجتماعی و غیراقتصادی، بیشتر تضییق‌کننده فرایند توسعه-یافتگی و رشد اقتصادی در جوامع‌اند تا تسهیل‌کننده، اما با قطعیت نمی‌توان در باب تسهیل یا تضییق‌کنندگی کانال‌های مزبور موضع گرفت و همچنین میزان اهمیت علی^۱ یا قدرت علی^۲ کانال‌های مذکور چندان مدنظر نبوده است؛ نکته‌ای که پژوهش حاضر درصدد پاسخگویی به آن است.

1. Causal importance
2. Causal power

۲.۲. پیشینه نظری

اولین بار، هاباکنوک (۱۹۶۳) بود که به پیامدهای توسعه‌ای مثبت منابع طبیعی بر رشد اقتصادی توجه کرد، اما پژوهش‌های تجربی آلان گلب (۱۹۸۸) و ریچارد آوتی (۱۹۸۸) است که نقطه آغاز ادبیات این حوزه شناخته می‌شود. آوتی در مجموعه‌ای از آثار خود که در ابتدا به صورت مطالعه موردی بودند (۱۹۸۸، ۱۹۹۱ الف، ۱۹۹۱ ب، ۲۰۰۱، ۲۰۰۳) پیامدهای منفی فروش نفت را برای کشورهای صادرکننده نفت نشان داد. وی در کتاب خود با عنوان توسعه پایدار در اقتصادهای معدنی: تز شومی منابع^۱ (۱۹۹۳)، اصطلاح «شومی یا نفرین منابع» را ابداع کرد (بادیب و همکاران، ۲۰۱۷)؛ موضوعی که برای اولین بار در آفریقا و آمریکای لاتین مشاهده شد (پارلی، ۲۰۱۵، ص. ۴۲۷). مدعای اصلی تز شومی منابع به زبان ساده این است که «داشتن زیاد چیز خوب می‌تواند بد باشد» (لیو، ۲۰۱۴، ص. ۴۰۴). طبق این مدعا، کشورهای برخوردار از منابع طبیعی نفت و گاز در مقایسه با کشورهای فاقد این منابع یا کشورهای دارای منابع طبیعی کمتر، عملکرد توسعه‌ای ضعیف‌تری را از خود نشان می‌دهند (فریمن، ۲۰۰۹؛ کارل، ۲۰۰۷؛ پارلی، ۲۰۱۵). تحقیق ساکس و وارنر (۱۹۹۵) نیز که به صورت عرضی-مقطعی، برخی از کشورهای واجد منابع طبیعی را در سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۹ بررسی کرده بود، یکی از آثار تجربی و پیشران این حوزه شناخته می‌شود. نتایج تحقیق وی نشان داد، وابستگی به منابع طبیعی، رابطه‌ای منفی با رشد اقتصادی دارد.

در تقریبی به واقع، می‌توان ادبیات نظری محتوایی حول تأثیرات علی منابع طبیعی بر عملکرد اقتصادی جوامع را به دو دسته کلی تفکیک کرد: دسته‌ای از نظریات این حوزه بر نقش تسهیل‌کنندگی منابع طبیعی تکیه کرده‌اند. این دسته از نظریات که به رویکرد کلاسیک مشهور است و به آدام اسمیت و دیوید ریکاردو برمی‌گردد، مدعی‌اند که منابع طبیعی می‌تواند نقش پیشران توسعه صنعتی را ایفا کند (بلسا، ۱۹۸۰؛ دریک، ۱۹۷۰؛ آتکینسون و همیلتون، ۲۰۰۳، ص. ۱۸۰۴؛ پاپیراکیس و گرلاک، ۲۰۰۴، ص. ۱۸۲). رویکرد نظری فوق تا

1. Sustaining development in mineral economies: the resource curse thesis

اوایل دهه ۱۹۸۰ غالب بود و بعد از وقوع پدیده بیماری هلندی، نقش تضییق‌کنندگی آن پررنگ شد (آکینسون و همیلتون، ۲۰۰۳). ادبیات تجربی بررسی شده هم مؤید این ایده است که عمده تحقیقات، تأثیرات منفی منابع طبیعی را بر عملکرد اقتصادی جوامع نشان داده‌اند. با توجه به اینکه هدف تحقیق حاضر، بررسی کانال‌های اجتماعی تأثیرگذاری منابع طبیعی بر عملکرد توسعه‌ای جوامع است، در ادامه به نظریات محتوایی شکل‌گرفته حول هریک از کانال‌های مزبور پرداخته خواهد شد.

ساختار نهادی و منابع طبیعی

در ادبیات شکل‌گرفته در حوزه شومی منابع، اختلاف نظری در بین دانشمندان از حیث ایفا یا ایفانشدن نقش میانجی ساختار نهادی در رابطه میان منابع طبیعی و عملکرد اقتصادی جوامع وجود دارد. برخی معتقدند که وضعیت منابع طبیعی موجود در جامعه (اعم از وابستگی یا وفور منابع طبیعی) ارتباطی با ساختار نهادی جامعه‌ی مزبور ندارد و عده‌ای همخوان با یافته‌های بسیاری از تحقیقات این حوزه معتقدند که منابع طبیعی از کانال وضعیت نهادی جوامع بر عملکرد اقتصادی جوامع تأثیر می‌گذارد و عمده تأثیر از جنس تضییق‌کنندگی است تا تسهیل‌کنندگی (بادیب و همکاران، ۲۰۱۷).

نظریات متنوعی در باب تأثیر پیامدهای توسعه‌ای ساختار نهادی جوامع شکل‌گرفته است. دانشمندانی نظیر لاپورتا و همکاران (۱۹۹۸، ۱۹۹۷)، عجم اغلو و همکاران (۲۰۰۱) و نورث و همکاران (۲۰۱۳) به تشریح رابطه نهاد-توسعه پرداخته‌اند. از نظر لاپورتا، سیستم قانونی و حقوقی کشورها، رفتارهای پس‌انداز و سرمایه‌گذاری افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد و از این طریق بر عملکرد اقتصادی جوامع تأثیر می‌گذارد. به زعم وی، سیستم قانونی انگلیسی، دارای پیامدهای توسعه‌ای مثبت و سیستم قانون مدنی فرانسوی، فاقد چنین پیامدهای مثبتی برای توسعه است. عجم اغلو نیز در آرای خود اظهار می‌دارد که وجود نهادهای بهره‌کش به سرکوب انگیزه‌های کنشگران، به‌خصوص کنشگران اقتصادی می‌انجامد و با ایجاد چرخه رذیلت، مانع توسعه مالی و اقتصادی می‌شود، اما نهادهای فراگیر به‌صورت

موهبت، پیامدهای مثبت برای توسعه جوامع دارند. داگلاس نورث نیز در تقریر خود از ارتباط میان ساختار نهادی و موفقیت کشورها معتقد است که کشورهای واجد نظام‌های با دسترسی محدود به قانون، به موفقیت اقتصادی نائل نمی‌شوند و کشورهای برخوردار از نظام‌های با دسترسی باز به قانون و حقوق مالکیت، موفق عمل می‌کنند.

مدلول دیگر تأثیر منابع طبیعی بر ساختار نهادی جوامع، در قالب رویکرد بیماری هلندی سیاسی یا همان جست‌وجوی رانت مطرح شده است (لام و وانچکون، ۲۰۰۳) که طبق آن، وفور منابع طبیعی در یک کشور، دولت‌هایی رانته ایجاد می‌کند که به وابستگی اقتصادی و فساد در روابط دولت و جامعه می‌انجامد (کورتز و بروکس، ۲۰۱۱، ص. ۷۴۸). رانت مربوط به منابع طبیعی، مانع نضج نهادهای دموکراتیک می‌شود؛ چراکه همین دارایی بر قدرت رهبران اقتدارطلب می‌افزاید و به علت تأکید بر درآمدهای مبتنی بر منابع طبیعی و نه درآمدهای مالیاتی، موجب تضعیف تقاضاهای عمومی برای پاسخگویی دموکراتیک می‌شود (راس، ۲۰۰۱؛ مک‌فرسون، ۲۰۱۰).

بنابراین به نظر می‌رسد، وضعیت منابع طبیعی بر کیفیت نهادی جوامع تأثیرگذار است و از این طریق در عملکرد اقتصادی جوامع نقش علی ایفا می‌کند (فرضیه اول).

سرمایه انسانی و منابع طبیعی

ایده اساسی و تقریباً پذیرفته‌شده در ادبیات توسعه این است که سرمایه انسانی اثر مثبت بر توسعه و رشد اقتصادی دارد (برای مثال ر.ک. دیویس و کوینلیوان، ۲۰۰۶؛ رانیز، ۲۰۰۴)، اما مطالعات نشان می‌دهند که در اقتصادهای منبع‌محور به علت انقباض بخش‌های تولیدی و وقوع پدیده بیماری هلندی و تمایل به کالاهای منبع‌محور، نیاز به نیروی کار ماهر کم می‌شود؛ بنابراین سطح سرمایه‌گذاری انسانی کاهش می‌یابد (اثر پس‌زدگی^۱)؛ چراکه سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی در چنین وضعیتی هیچ درآمد موردانتظاری ندارد. گیلفاسون (۲۰۰۱) با استفاده از داده‌های عرضی مقطعی دریافت که سرمایه طبیعی، رابطه منفی با

هزینه‌های عمومی تحصیلی دارد. همچنین پی برد که سرمایه طبیعی، سرمایه انسانی را پس می‌زند و رشد را تضعیف می‌کند. بهبودی و همکاران (۱۳۹۱) این یافته را با استفاده از شواهدی در بررسی تطبیقی بر رابطه منفی فراوانی منابع و سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی در تایلند، ژاپن و کره جنوبی اثبات کردند، اما در طرف دیگر نیز مدعیاتی مطرح است که طبق آن، اثر پس‌زدگی اجتناب‌ناپذیر نیست و می‌توان سطوح بالایی از سرمایه‌گذاری انسانی را در اقتصادهای مبتنی بر منابع طبیعی رقم زد (نظیر لیدرمن و مالونی، ۲۰۰۷؛ گیل‌فاسون، ۲۰۰۱؛ لیدرمن و ملونی، ۲۰۰۸؛ ون‌دیک، ۲۰۱۳). در همین راستا، استیجنز (۲۰۰۶) مدعی است که اثر منفی شومی منابع بر کاهش سرمایه انسانی چندان محکم نیست. پیندا و رودریگز (۲۰۱۱) نیز در پژوهش‌هایشان نشان داده‌اند که برخلاف نظریه شومی منابع، منابع طبیعی باعث افزایش سطح توسعه انسانی (به‌خصوص مؤلفه‌های غیراقتصادی آن) می‌شود. براوو ارتگا و دگرگوریو (۲۰۰۵) نیز نشان می‌دهند که یکی از مهم‌ترین ملاک‌های موفقیت کشورهای اسکاندیناوی برای فرار از شومی منابع، گسترش سرمایه‌گذاری در سرمایه‌های انسانی بوده است؛ چراکه سرمایه‌گذاری در زمینه سرمایه انسانی توانست اثر منفی انفجار منابع را متعادل کند یا حتی از بین ببرد؛ بنابراین، هر دو سوی رابطه منابع طبیعی و سرمایه انسانی مطرح است؛ بنابراین در مقام گمانه‌زنی و در قالب فرضیه‌ای غیرجهت‌دار می‌توان گفت که به نظر می‌رسد منابع طبیعی، سطح سرمایه انسانی موجود در جوامع را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد و بدین طریق بر توسعه جوامع مؤثر است (فرضیه دوم).

ثبات/تضاد و منابع طبیعی

به‌طورکلی، در ادبیات حوزه تضاد و بی‌ثباتی می‌توان دو رگه را شناسایی کرد. در رگه‌ی نخست، نقش عوامل اجتماعی اقتصادی نظیر فقر، بیکاری، و جمعیت را در تعارض و تضاد برجسته می‌کنند (نظیر وادلامانتی، ۲۰۱۱؛ اوردال، ۲۰۰۵، ۲۰۰۸). اما در رگه‌ی دیگر که کانون تمرکز مطالعه‌ی حاضر است، بر نقش نظریه شومی منابع در تضاد و بی‌ثباتی تأکید می‌شود. یکی از مدعیات نظریه شومی منابع این است که وفور منابع در کشورها، به افزایش

سطح تضاد و بی‌ثباتی می‌انجامد. طبق این رویکرد که در تحقیقات متنوعی به اثبات رسیده است (نظیر آداریو و همکاران، ۲۰۱۸؛ بلوز و میگوئل، ۲۰۰۹، برای تحقیقات بیشتر ر.ک. ادبیات تجربی ذکر شده). وفور منابع طبیعی از طریق ایجاد بیماری هلندی، افزایش سطح فساد و یا توزیع نابرابر عواید منابع طبیعی باعث افزایش سطح نارضایتی، تحریک و سپس درگیری می‌شود (گارفینکل و اسکاپرداس، ۲۰۰۰). تیس (۲۰۱۰ الف، ۲۰۱۰ ب) در مطالعه خود نشان می‌دهد که سطح بالای صادرات نفت، میزان درگیری و بی‌ثباتی در کشور را افزایش می‌دهد، اما گیزلیس و وودن (۲۰۱۰) با همان داده‌ها نشان دادند که منابع طبیعی، منجر به افزایش تضاد نمی‌شود؛ بنابراین می‌توان چنین گمانه‌زنی کرد که منابع طبیعی قادر به تأثیرگذاری بر سطح بی‌ثباتی جوامع است و از این طریق بر سطح توسعه جوامع اثرگذار است (فرضیه سوم)، اما اینکه جهت تأثیر منابع طبیعی بر بی‌ثباتی، براساس بیشتر تحقیقات این حوزه منفی است یا خیر، سؤالی است که در این تحقیق می‌توان به آن پاسخ گفت.

در مقام جمع‌بندی و از دیدگاه رویکرد رئالیستی در تبیین، بررسی روابط میان پدیده‌ها مستلزم توجه به مکانیسم‌های واسط است که قدرت علی علت را به معلول منتقل می‌کند؛ به عبارتی، در این رویکرد، سؤال این است که چه سازوکاری موجب ترتب تجربی مدنظر میان پدیده‌های مطالعه‌شده می‌شود (چلبی، ۱۳۸۵؛ پاسون، ۲۰۰۰)؛ بر همین اساس، کانون توجه مطالعه حاضر نیز این است که آیا منابع طبیعی بر وضعیت توسعه جوامع تأثیرگذار است؟ اگر تأثیر گذار است، سازوکارهای اجتماعی چنین تأثیری چیست و در چه جهتی است؟ تحقیق حاضر همچنین درصدد پاسخ‌گویی به این سؤال است که وزن علی سازوکارهای مذکور در مقایسه با یکدیگر به چه میزان است؟

۳. روش تحقیق

به منظور بررسی نقش میانجیگر کانال‌های اجتماعی در انتقال تأثیرات علی از منابع طبیعی بر سطح توسعه جوامع، از روش‌شناسی مو (۲۰۰۰، ۲۰۰۱) و پاپیراکیس و گلارگ (۲۰۰۴)،

(۲۰۰۷) استفاده شده است. روش تحلیل داده‌ها، رگرسیون مبتنی بر مدل‌های خطی برای داده‌های پانل است. توضیح اینکه داده‌های تحقیق حاضر به‌طور هم‌زمان دارای صفات داده‌های مقطعی و داده‌های مبتنی بر سری زمانی هستند که به داده‌های پانل یا تلفیقی معروف‌اند، اما به‌علت تفاوت تعداد مشاهدات (در اینجا یعنی کشور) در بازه زمانی مدنظر ساختاری نامتوازن دارد (گاجاراتی، ۲۰۰۴: ۲۸). آزمون F لیمر نیز نشان می‌دهد که داده‌ها از ساختاری پانل برخوردارند^۱ و بنابراین می‌توان از روش‌های پانلی برای تخمین مدل بهره برد. همچنین نتایج آزمون هاسمن نشان داده است که در تخمین می‌توان از الگوی اثرات ثابت بهره بود^۲. داده‌های مذکور که از جنس داده‌های ثانویه (داده‌های موجود) هستند و از پایگاه‌های معتبر متفاوت تهیه شده‌اند، شامل ۱۳۳ مشاهده (کشور) و بازه زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۳ هستند. به‌منظور انجام تحلیل مذکور، از نرم‌افزار STATA V.17 استفاده شده است.

برای سنجش سطح توسعه جوامع، از شاخص تولید ناخالص داخلی مبتنی بر برابری قدرت خرید، براساس دلار بین‌المللی (یا همان دلار امریکا)^۳ استفاده شده است. این شاخص اقتصادی که بر مبنای برابری قدرت خرید محاسبه شده است، امکان مقایسه میان کشورها را فراهم می‌کند. شاخص مزبور از پایگاه معرف‌های بانک جهانی^۴ گرفته شده است و شکل لگاریتمی آن در تخمین به کار رفته است. با توجه به اینکه یکی از مهم‌ترین منابع طبیعی حال حاضر در کشورها، نفت است، به‌منظور سنجش سطح منابع طبیعی کشورها از داده‌های راس و مهدوی (۲۰۱۵) در باب شاخص ارزش خالص صادرات نفت، بر مبنای قیمت ثابت دلار در سال ۲۰۰۰ استفاده شده است. به‌منظور سنجش سطح کیفیت نهادی جوامع از شاخص کنترل فساد^۵ که در پایگاه داده حاکمیت جهان، مربوط به گروه بانک جهانی است، استفاده شده است. در شاخص مذکور که کافمن و همکاران (۲۰۱۰)، ساخته‌اند، اطلاعات

1. $F(119,909) = 1392.18$ Sig= 0.000

2. $\chi^2 = 21.64$ Sig= 0.000

3. GDP, PPP (current international dollar)

4. WDI (World Development Indicators)

5. Control of corruption

لازم از ۳۴ پایگاه داده گردآوری شده است.^۱ نمرات زیاد در شاخص کنترل فساد، به معنای کیفیت نهادی بالاتر جوامع و نمرات کم به معنای کیفیت نهادی پایین تر است. به منظور سنجش وضعیت بی ثباتی جوامع نیز از پایگاه داده‌ی حاکمیت جهان، در زمینه سطح ثبات سیاسی و نبود خشونت/تروریسم استفاده شده است (کافمن و همکاران، ۲۰۱۰). مقادیر زیاد شاخص به معنای ثبات بیشتر و مقادیر کم به معنای ثبات کمتر است. شایان ذکر است که شکل لگاریتمی دو متغیر مذکور در تخمین به کار گرفته شده‌اند. با هدف سنجش سطح سرمایه انسانی از شاخص سرمایه انسانی^۲ در مجموعه داده‌های جدول جهانی پن^۳، نسخه ۹ استفاده شده است (فینسترا و همکاران، ۲۰۱۵). این شاخص براساس میانگین سال‌های تحصیل و بازگشت به تحصیل (داده‌های بارو لی، ۲۰۱۳) محاسبه شده است (نمرات بیشتر به معنای سرمایه انسانی بیشتر است).

با هدف تقلیل یا حذف اثر عوامل برون‌زای، متغیرهای کنترل نیز در نظر گرفته شده‌اند. مروری بر ادبیات توسعه نشان می‌دهد که عواملی نظیر سطح درآمد اولیه جوامع (چورچیل و همکاران، ۲۰۱۷، آلسینا و رودریک، ۱۹۹۴؛ آدس و گلیزر، ۱۹۹۹؛ دورالوف و جانسون، ۱۹۹۵؛ بوو و الینا، ۲۰۱۷؛ پاپیراکیس و همکاران، ۲۰۱۴)، وضعیت زیرساخت‌ها (آسچائر، ۱۹۹۰؛ دمورگر، ۲۰۰۱؛ فلیشر و چن، ۱۹۹۷؛ فن و ژانگ، ۲۰۰۹) و وضعیت صنعتی (دمورگر، ۲۰۰۱) جوامع که برگرفته از نظریات رشد درون‌زاست (ر.ک. وندنبوش و همکاران، ۲۰۰۶) بر سطح رشد و توسعه جوامع تأثیرگذار است. در همین راستا، برای سنجش درآمد اولیه جوامع، از شاخص تولید ناخالص داخلی مبتنی بر برابری قدرت خرید، براساس دلار بین‌المللی در سال ۲۰۱۰ استفاده شده است. برای سنجش سطح زیرساخت،

۱. برای اطلاعات بیشتر، ر.ک. <https://info.worldbank.org/governance/wgi/>

2. Human Capital Index

3. Penn World Table

۴. منظور عواملی است که در مطالعه حاضر برای آن‌ها شأن تبیینی در نظر گرفته نشده است و خارج از چارچوب این تحقیق‌اند.

ترکیب دو معرف درصد جمعیت برخوردار از منبع آب آشامیدنی بهبودیافته^۱ و میزان اشتراک تلفن همراه به ازای هر صد نفر جمعیت^۲ به کار رفته است. به منظور سنجش وضعیت صنعتی جوامع نیز از درصد اشتغال در بخش صنعت استفاده شده است. داده‌های مربوط به این متغیرهای کنترل، از پایگاه داده معرف‌های توسعه جهانی استخراج شده است و دو متغیر اخیر، به صورت لگاریتمی در مدل تخمینی به کار گرفته شده‌اند.

۴. یافته‌های تحقیق

نخست، متغیرهای کنترل، منابع طبیعی نفت و نیز کانال‌های اجتماعی واسط به تدریج و بسته به سطح اهمیت علی‌شان بر حسب میزان همبستگی نیمه تفکیکی وارد مدل شدند تا تأثیر مستقل هر یک از آن‌ها بر سطح توسعه جوامع برآورد شود. فرمول معادله گام اول رگرسیون با الگوی اثرات ثابت به صورت زیر است:

$$D^i = \alpha_0 + \alpha_1 y_0^i + \alpha_2 S^i + \alpha_3 I^i + \alpha_4 O^i + \alpha_5 Z^i + \varepsilon^i \quad (1)$$

که در آن، i معادل هر کشور در نمونه، D معادل توسعه اقتصادی (متغیر وابسته)، α_0 برابر با عدد ثابت و α_1 ، α_2 ، α_3 ، α_4 و α_5 به ترتیب معادل میزان تغییرات پیش‌بینی شده در متغیر وابسته به ازای تغییر در سطح توسعه اقتصادی اولیه (یا همان y_0)، سطح زیرساخت جوامع (S)، سطح صنعتی شدن جوامع (I)، سطح منابع طبیعی نفت (O) و کانال‌های اجتماعی واسط (Z) یا به عبارتی کیفیت نهادی (Q)، ثبات (ST) و سرمایه انسانی (C) است. در گام اول، متغیرهای کنترل به ترتیب وارد معادله شدند و در گام دوم، متغیر منابع طبیعی و در گام سوم، متغیرهای مربوط به کانال‌های اجتماعی واسط وارد معادله شدند. جدول ۱، یافته‌های مربوط به این معادله را نشان می‌دهد.

1. Improved drinking water source
2. Mobile cellular subscriptions (per 100 people)

جدول ۱. نتایج رگرسیون معادله (۱) با الگوی اثرات ثابت

متغیر وابسته : توسعه اقتصادی (D)	(۱)	(۲)	(۳)	(۴)	(۵)	(۶)	(۷)
عدد ثابت (α_0)	۱۰,۲ ***	۱۷ ***	۱۹,۹ ***	۱۹,۷ ***	۲۴,۶ ***	۲۵,۳ ***	۲۴,۹ ***
سطح توسعه اقتصادی اولیه (γ_0)	۹,۱۷ ***	۲,۲۴	۲,۶۲ ***	۳,۴۷	-۱,۶۹ *	-۱,۵۹	-۱,۴۱
زیرساخت (S)		۰,۷۸ ***	۱,۰۳ ***	۱,۰۳ ***	۰,۷۴ ***	۰,۵۵ ***	۰,۵۱ ***
سطح صنعتی بودن (I)			-۰,۰۸ ***	-۱,۰۲ ***	۰,۰۱	۰,۰۳	۰,۰۳ *
سطح منابع طبیعی نفت (O)				-۱,۰۲ ***	-۷,۶۷ ***	-۳,۴۷ *	-۳,۱۸
سرمایه انسانی (C)					۰,۹۵ ***	۰,۷۲ ***	۰,۶۸ ***
کیفیت نهادی (Q)						۰,۲۶ ***	۰,۱۴ ***
ثبات (ST)							۰,۲۱ ***
ضریب تعیین	۰,۲۲	۰,۲۳	۰,۳۳	۰,۳۶	۰,۳۴	۰,۳۴	۰,۳۴
تعداد کشور	۱۸۶	۱۸۶	۱۴۴	۱۳۲	۱۲۱	۱۲۰	۱۲۰
تعداد مشاهدات	۲۵۴۹	۲۵۴۹	۱۲۷۱	۱۱۷۱	۱۱۲۱	۱۰۳۶	۱۰۳۶

نکته: * و ** و *** به ترتیب معادل سطح معناداری ۱۰٪، ۵٪ و ۱٪ است.

یافته‌های مربوط به گام‌های اول تا سوم به ورود متغیرهای کنترل تحقیق مربوط است. یافته‌های گام سوم نشان می‌دهد که هر سه متغیر کنترل یعنی سطح توسعه اولیه، وضعیت زیرساخت‌ها و سطح صنعتی شدن جوامع تأثیر معناداری بر سطح توسعه جوامع ایفا می‌کند. در گام چهارم که متغیر سطح منابع طبیعی نفت وارد معامله شده است، یافته‌ها نشان می‌دهد که مستقل از تأثیرات متغیرهای کنترل تحقیق، منابع طبیعی تأثیر منفی و معناداری بر سطح توسعه جوامع دارد ($\alpha = -1.02, Sig = 0.00$). گام‌های پنجم تا ششم مدل مذکور به ورود کانال‌های اجتماعی میانجی رابطه میان منابع طبیعی و توسعه در جوامع مربوط است. یافته‌های مربوط به گام پنجم نشان می‌دهد که متغیر سرمایه انسانی مستقل از تأثیرات متغیرهای کنترل و منابع طبیعی جوامع، دارای تأثیر مثبت و معنادار بر توسعه‌یافتگی جوامع

است ($\alpha = 0.95, Sig = 0.00$). تحقیقات این حوزه نیز نشان داده‌اند که سرمایه انسانی به‌عنوان پیشران توسعه و رشد در جوامع عمل می‌کند (نظیر دیویس و کوینلیوان، ۲۰۰۶؛ رانیز، ۲۰۰۴). در گام شش و پس از ورود متغیر کیفیت نهادی، یافته‌ها نشان داده‌اند که سطح کیفیت نهادی، تأثیر مستقل مثبت و معناداری بر سطح توسعه جوامع دارد ($\alpha = 0.26, Sig = 0.00$). همچنین توجه به این نکته اهمیت دارد که پس از واردکردن این متغیر به مدل، اهمیت علی منابع طبیعی در تبیین توسعه‌یافتگی تقریباً نصف می‌شود (از ۷,۶۷- به ۳,۴۷-) و سطح صنعتی شدن جوامع و سطح توسعه اولیه جوامع، تأثیر معنادار خود بر توسعه‌یافتگی جوامع را از دست می‌دهد. در گام نهایی و پس از واردکردن متغیر سطح ثبات، یافته‌ها نشان می‌دهد که منابع طبیعی فاقد تأثیرگذاری مستقیم بر سطح توسعه جوامع است، اما سطح ثبات به‌طور مثبت و معناداری بر میزان توسعه جوامع اثر دارد ($\alpha = 0.21, Sig = 0.00$).

در مجموع، یافته‌های جدول ۱ نشان داده است که هر سه کانال اجتماعی مزبور به‌طور مثبت و معناداری بر سطح توسعه‌یافتگی جوامع تأثیر دارد و سطح منابع طبیعی جوامع در کنار این کانال‌ها، فاقد پیامدهای توسعه‌ای معنادار برای جوامع است. در قدم دوم و به‌منظور بررسی تأثیر منابع طبیعی بر هر یک از کانال‌های اجتماعی میانجی، با الهام از الگوی مو (۲۰۰۰، ۲۰۰۱) و پاپیراکیس و گلارگ (۲۰۰۴، ۲۰۰۷)، معادله زیر صورت‌بندی شد:

$$Z^i = \beta_0 + \beta_1 \gamma_0^i + \beta_2 S^i + \beta_3 I^i + \beta_4 O^i + \varepsilon^i \quad (2)$$

که در آن، i معادل هر کشور در نمونه، Z معادل کانال‌های اجتماعی واسط (یا به عبارتی کیفیت نهادی (Q)، ثبات (ST) و سرمایه انسانی (C)، β_0 برابر با عدد ثابت و β_1 ، β_2 ، β_3 و β_4 به ترتیب معادل میزان تغییرات پیش‌بینی‌شده در هر یک از کانال‌های میانجی به ازای

تغییر در سطح توسعه اقتصادی اولیه (یا همان y_0)، سطح زیرساخت جوامع (S)، سطح صنعتی شدن جوامع (I) و نیز سطح منابع طبیعی نفت (O) است. با توجه به اینکه کانال‌های میانجی در این تحقیق شامل سه متغیر است، ابرمعادله مذکور را می‌توان برای هر یک از این کانال‌های اجتماعی به تفکیک صورت‌بندی کرد که در آن، تأثیر منابع طبیعی و متغیرهای کنترل بر هر یک از این کانال‌ها برآورد می‌شود. جدول ۲، خلاصه سه معادله رگرسیون مذکور است.

جدول ۲. نتایج رگرسیون معادله (۲) با الگوی اثرات ثابت

	(۸)	(۹)	(۱۰)
	سرمایه انسانی	کیفیت نهادی	ثبات
عدد ثابت (α_0)	-۵,۴۵ ***	-۴,۴۸ ***	-۲,۰۰ ***
سطح توسعه اقتصادی اولیه (y_0)	۲,۲۸ ***	۸,۶۷	۸,۹۸
زیرساخت (S)	۰,۲۹ ***	۰,۹۱ ***	۰,۷۸ ***
سطح صنعتی بودن (I)	-۰,۰۹ ***	-۰,۱۷ ***	-۰,۱۳ ***
سطح منابع طبیعی نفت (O)	-۴,۱۳ ***	-۱,۹۱ ***	-۱,۳۲ ***
تعداد کشور	۱۲۱	۱۳۱	۱۳۱
تعداد مشاهدات	۱۱۲۱	۱۰۸۳	۱۰۸۳
نکته: *، ** و *** به ترتیب معادل سطح معناداری ۱۰٪، ۵٪ و ۱٪ است.			

در گام هشتم جدول ۲، تأثیر منابع طبیعی نفت بر سطح سرمایه انسانی جوامع در کنار متغیرهای کنترل تحقیق برآورد شده است. همخوان با تحقیقات این حوزه (نظیر گیلفاسون، ۲۰۰۱؛ بالت و همکاران، ۲۰۰۴؛ پیندا و رودریگز، ۲۰۱۱؛ لیدرمن و مالونی، ۲۰۰۷) یافته مذکور نشان می‌دهد که سطح منابع طبیعی جوامع به‌طور مستقل دارای تأثیر منفی و معناداری بر سطح سرمایه انسانی است ($\beta = -4.13, Sig = 0.00$). یک واحد انحراف معیار افزایش در سطح منابع طبیعی جوامع (سنجیده شده توسط ارزش صادرات نفت)، باعث ۴

واحد کاهش در شاخص سرمایه انسانی جوامع می‌شود. رگرسیون کیفیت نهادی بر سطح منابع طبیعی در گام نهم نشان می‌دهد که یک واحد انحراف معیار افزایش در سطح منابع طبیعی جوامع، باعث افت ۱,۹۱ واحدی کیفیت نهادی (یعنی کاهش سطح کنترل فساد) جوامع به‌طور معناداری می‌شود ($\beta = -1.91, Sig = 0.00$). تحقیقات (نظیر سالای مارتین و سوبرامانیا، ۲۰۱۳؛ دانیل، ۲۰۱۱؛ مینگوی، ۲۰۱۱؛ وینسته، ۲۰۱۰، ۷؛ ویلیامز، ۲۰۱۱) نیز نشان داده‌اند که منابع طبیعی، سطح فساد در جوامع را افزایش می‌دهد، حاکمیت قانون را کاهش می‌دهد و در نتیجه بر کیفیت نهادی جوامع تأثیر منفی می‌گذارد. بررسی یافته مربوط به گام دهم جدول ۲ نیز نشان می‌دهد که به موازات افزایش سطح منابع طبیعی در جوامع، احتمال بی‌ثباتی در جوامع مزبور نیز افزایش می‌یابد. به موازات یک واحد انحراف معیار افزایش در سطح منابع طبیعی جوامع، سطح ثبات موجود در جوامع به میزان ۱,۳۲ واحد کاهش می‌یابد. تحقیقات این حوزه (نظیر آریف و همکاران، ۲۰۲۱؛ وسکو و همکاران، ۲۰۲۰؛ کونارد و همکاران، ۲۰۱۹؛ دی‌جان، ۲۰۰۷؛ لیندرز و سوفاکیاناکید، ۲۰۰۳) نیز نشان داده‌اند که خطر بی‌ثباتی و جنگ داخلی، بیشتر جوامع برخوردار از منابع طبیعی را تهدید می‌کند. در گام بعد و به‌منظور بررسی میزان تأثیرات غیرمستقیم منابع طبیعی بر سطح توسعه جوامع، ضرایب تأثیر مربوط به هریک از کانال‌های میانجی از معادله دوم استخراج شده و در ضرایب مربوطه از معادله اول ضرب شدند. جدول ۳، میزان تأثیر هریک از کانال‌های اجتماعی مزبور را نشان می‌دهد.

جدول ۳. سهم نسبی کانال‌های اجتماعی تأثیر منابع طبیعی بر توسعه جوامع

سهم نسبی	$\alpha_4 + \alpha_5\beta_4$ جدول ۳	β_4 جدول ۲	α_5 جدول ۱	کانال‌های میانجی
٪۴۹	-۳,۱۸			منابع طبیعی نفت
٪۴۳	-۲,۸۰	-۴,۱۳ ***	۰,۶۸ ***	سرمایه انسانی
٪۴	-۰,۲۶	-۱,۹۱ ***	۰,۱۴ ***	کیفیت نهادی

سهم نسبی	$\alpha_4 + \alpha_5 \beta_4$ جدول ۳	β_4 جدول ۲	α_5 جدول ۱	کانال‌های میانجی
٪۴	-۰,۲۷	-۱,۳۲ ***	۰,۲۱ ***	ثبات
۱۰۰	-۶,۵۱			جمع

طبق جدول ۳، مجموع تأثیرات کل (مستقیم و غیرمستقیم) منابع طبیعی بر توسعه جوامع معادل -۶,۵۱ است. تقریباً نیمی از میزان تأثیرات کل به تأثیر خارج از کانال‌های اجتماعی مدنظر در این تحقیق مربوط است؛ به عبارتی، ۴۹ درصد از تأثیرات منابع طبیعی بر توسعه جوامع یا به صورت مستقیم است (که در این تحقیق تأثیر معنادار نداشته است) یا به تأثیر غیرمستقیم از کانال‌های غیراجتماعی نظیر کانال بیماری‌های هلندی، کانال پس‌انداز و سرمایه‌گذاری و دیگر کانال‌های اقتصادی مربوط است.

اما یکی از یافته‌های محوری تحقیق حاضر این است که تقریباً ۵۰ درصد از تأثیرات منابع طبیعی بر توسعه صنعتی بر جوامع، از طریق مکانیسم‌های اجتماعی منتقل می‌شود؛ مکانیسم‌هایی که به طور معناداری در این تأثیرگذاری دخیل هستند. یافته‌ها نشان می‌دهد که از میان سه کانال اجتماعی مذکور، کانال سرمایه‌انسانی قوی‌ترین کانالی است که منابع طبیعی از طریق آن بر سطح توسعه جوامع تأثیر می‌گذارد. ۴۳ درصد از تأثیرات کل منابع طبیعی بر توسعه جوامع به کانال سرمایه‌انسانی مربوط است. همخوان با یافته‌های تحقیقات این حوزه، جوامع واجد منابع طبیعی، به واسطه اثر پس‌زدگی و اثر کششی، سرمایه‌گذاری ناچیزی در سرمایه‌انسانی خود انجام می‌دهند و در بلندمدت، پیامدهای توسعه‌ای منفی را برای جوامع خود خلق می‌کنند.

یافته‌های مربوط به تعیین سهم نسبی دو کانال اجتماعی دیگر، یعنی سطح ثبات و کیفیت نهادی نشان می‌دهد که هر دو به یک اندازه در انتقال تأثیر علی منابع طبیعی بر توسعه جوامع نقش دارند. از میان کل تأثیرات، در مجموع ۸ درصد از این تأثیرات از کانال دو میانجی سطح ثبات و ساختار نهادی جوامع منتقل می‌شود.

در مجموع می‌توان گفت که مکانیسم‌های اجتماعی دخیل در رابطه میان سطح برخورداری جوامع از منابع طبیعی و میزان توسعه‌یافتگی جوامع، نقش علی مهم و معناداری دارند و از میان آن‌ها، ساختار سرمایه انسانی جوامع مهم‌ترین مکانیسمی است که می‌توان اثر مخرب منابع طبیعی را بر توسعه‌ی جوامع حک کند.

۵. نتیجه‌گیری

مطالعه حاضر با هدف بررسی کانال‌های اجتماعی تأثیر منابع طبیعی، به‌طور مشخص دارای نفتی بر توسعه جوامع و نیز تعیین سهم نسبی هریک از کانال‌های مزبور انجام شد. برای بررسی این دو موضوع، با استفاده از داده‌های پانلی موجود در فاصله سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۳ برای ۱۳۳ کشور، از تکنیک رگرسیون مبتنی بر مدل‌های خطی برای داده‌های پانل به روش اثرات ثابت بهره گرفته شده است. در ادبیات شکل گرفته در حوزه پیامدهای توسعه‌ای منابع طبیعی، کانال‌ها یا مکانیسم‌های چندگانه‌ای شناسایی شده‌اند که از منظر تحلیلی می‌توان آن‌ها را به دو دسته کانال‌های اجتماعی و کانال‌های غیراجتماعی تقسیم کرد. مروری بر ادبیات تجربی این حوزه نشان می‌دهد که پژوهش مستقلی به بررسی مسیرهای اجتماعی تأثیر منابع طبیعی نفتی بر وضعیت توسعه‌ای جوامع نپرداخته است. از سوی دیگر، تعیین سهم نسبی هریک از مسیرهای اجتماعی میانجیگر رابطه میان منابع طبیعی و توسعه، نکته مغفول‌مانده‌ای در ادبیات این حوزه بوده است.

این تحقیق در قالب تحلیل پانلی داده‌های ثانویه موجود برای جوامع، نشان می‌دهد که قبل از واردکردن متغیرهای اجتماعی برای برآورد سطح توسعه جوامع، منابع طبیعی نفتی به‌طور مستقیم دارای تأثیر علی منفی و معناداری بر سطح توسعه است؛ نکته‌ای که در

۱. یکی از جدی‌ترین محدودیت‌های تحلیل بین‌کشوری، فقدان داده معتبر و به‌روز است. در این تحقیق نیز به فراخور متغیرهای اصلی تحقیق، داده‌های معتبر و با کمترین سطح بی‌پاسخی حداکثر تا سال ۲۰۱۳ وجود داشت و همین امر سبب شده است که تحلیل مزبور، به بازه زمانی ۲۰۰۰-۲۰۱۳ محدود شود.

تحقیقات نسل دوم حوزه منابع طبیعی که با مطالعات اوتی (۱۹۸۸، ۱۹۹۱، ۲۰۰۱، ۲۰۰۳) شروع شده و گلب (۱۹۸۸) نیز به آن اشاره کرده است. اما پس از لحاظ کانال‌های اجتماعی، یافته‌ها نشان می‌دهد که منابع طبیعی دیگر تأثیر مستقیم و معنادار خود را از دست داده است. مدلول نکته مذکور این است که منابع طبیعی به‌خودی‌خود نقشی در توسعه‌یافتگی یا نبود توسعه‌یافتگی جوامع ندارد و از منظر رویکرد رئالیستی (نظیر پاسون، ۲۰۰۰) صرفاً از طریق مکانیسم‌های متصدی است که حامل تأثیرات علی مثبت/منفی است.

بررسی تجربی کانال‌های اجتماعی تأثیرگذاری منابع طبیعی نفتی بر توسعه جوامع نشان می‌دهد که هر سه مسیر سرمایه انسانی، ساختار نهادی جوامع و وضعیت ثبات اجتماعی جوامع، نقش میانجیگری معناداری را ایفا می‌کنند. توضیح بیشتر آنکه، براساس عمده تحقیقات در ادبیات مربوط به کانال اجتماعی سرمایه انسانی (نظیر پیندا و رودریگز، ۲۰۱۱؛ لیدرمن و مالونی، ۲۰۰۷؛ دیویس و کوبنلیوان، ۲۰۰۶؛ بالت و همکاران، ۲۰۰۴ و...) در جوامعی که از منابع طبیعی وافر برخوردارند یا به لحاظ اقتصادی به منابع طبیعی وابستگی دارند، به‌علت انقباض بخش‌های تولیدی و وقوع پدیده بیماری هلندی (به‌عنوان مهم‌ترین کانال اقتصادی) و تمایل به سمت کالاهای منبع‌محور، نیاز به نیروی انسانی متخصص و ماهر کم می‌شود؛ بنابراین خانوارها در سطح خرد، انتظار درآمدی چندانی از سرمایه‌گذاری انسانی نخواهند داشت. نتیجه اتخاذ چنین تصمیمی از سوی اغلب خانوار موجب تضعیف وضعیت سرمایه انسانی در جوامع به‌عنوان پیشران توسعه اقتصادی در جوامع می‌شود.

همخوان با یافته‌های بیشتر تحقیقات در زمینه کانال اجتماعی ساختار نهادی (نظیر سالای مارتین و سوبرامانیان، ۲۰۱۳؛ کلارک و ون کوتن، ۲۰۱۳؛ هوشمند و همکاران، ۲۰۱۳؛ دانیل، ۲۰۱۱؛ وینسته، ۲۰۱۰ و...) جوامع وابسته یا برخوردار از منابع طبیعی با مسئله جست‌وجوی رانت، فساد در دستیابی به دارایی بادآورده و افت کیفیت نهادی مواجه‌اند. در چنین جوامعی، گروه‌های متخلف بسته به قدرت چانه‌زنی و نفوذ خود درصدد کسب سهم بیشتری از رانت منابع طبیعی هستند و همین مسئله زمینه را برای افول نهادی جوامع مزبور فراهم می‌کند. به

موازات کاهش سطح کیفیت نهادی جوامع و افزایش سطح فساد سیستماتیک، تمایل فعالان اقتصادی به کنش‌های اقتصادی مولد نظیر پس‌انداز، سرمایه‌گذاری و... کمتر می‌شود؛ در نتیجه پیامدهای منفی توسعه‌ای برای چنین جوامعی دور از انتظار نخواهد بود.

از دیدگاه نظری، جوامع برخوردار از منابع طبیعی به‌علت رواج پدیده بیماری هلندی سیاسی یا همان رفتار جست‌وجوی رانت، بیشتر در معرض تضاد و بی‌ثباتی هستند؛ چراکه گروه‌های متفاوت در تلاش‌اند سهم بیشتری از دارایی منابع طبیعی داشته باشند. یافته این تحقیق نیز که با یافته‌های سایر محققان این حوزه (نظیر کونارد و همکاران، ۲۰۱۹؛ تیسن، ۲۰۱۲؛ آدواریو و همکاران، ۲۰۱۸؛ آریف و همکاران، ۲۰۲۱ و...) همخوان است، نشان می‌دهد که جوامعی که واجد سطوح بالاتری از منابع طبیعی نفتی هستند، سطح بی‌ثباتی بیشتری را تجربه می‌کنند و سطح بی‌ثباتی نیز به‌عنوان یک مانع اجتماعی، تحدیدکننده جوامع در دستیابی به توسعه اقتصادی است. بدون تردید، بین این کانال‌های اجتماعی مزبور و نیز میان کانال‌های اجتماعی و کانال‌های غیراجتماعی، تأثیرات رفت‌وبرگشتی یا حلقوی نیز برقرار است؛ برای مثال، مکانیسم سرمایه انسانی عمدتاً در پیوند با مکانیسم بیماری هلندی عمل می‌کند؛ چراکه جوامع برخوردار از منابع طبیعی، به سمت اقتصاد منبع‌محور و غیر صنعتی پیش می‌روند و بخش صنعتی اقتصاد که نیازمند نیروی انسانی متخصص و کارآمد است، تضعیف می‌شود و در بلندمدت نیاز به سرمایه انسانی کمتر احساس می‌شود. از طرفی دیگر، واضح است که میان ساختار نهادی و وضع بی‌ثباتی جوامع نیز روابط مستحکمی برخوردار است.

نکته‌ای که در مطالعه حاضر می‌تواند به‌عنوان گامی پیشرو در جهت انباشت دانش در حوزه مطالعات منابع طبیعی و توسعه تلقی شود، تعیین سهم نسبی کانال‌های اجتماعی میانجیگر میان منابع طبیعی و توسعه است. با الهام از لیمی (۲۰۰۷) که مکانیسم بیماری هلندی را مهم‌ترین مکانیسم اقتصادی واسط میان منابع طبیعی و توسعه معرفی کرده است، می‌توان سرمایه انسانی را مهم‌ترین مکانیسم اجتماعی واسط میان منابع طبیعی نفت و توسعه

جوامع تلقی کرد. یافته‌های تحقیق نشان داده‌اند که مکانیسم سرمایه انسانی نزدیک به نیمی از تأثیرات کل (اعم از تأثیرات مستقیم یا غیرمستقیم منابع طبیعی بر توسعه) را به تنهایی پوشش می‌دهد و دو مسیر ساختار نهادی و ثبات، روی هم رفته کمتر از ده درصد از این تأثیرات کل را به خود اختصاص می‌دهند؛ بنابراین دست کم از لحاظ تجربی و در چارچوب مطالعه حاضر می‌توان ادعا کرد که وابستگی به منابع طبیعی یا وفور منابع طبیعی در جوامع، بیش از همه از طریق تضعیف سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی است که می‌تواند بر توسعه جوامع تأثیرگذار باشد. توافق تقریباً کاملی بر سر این موضوع شکل گرفته است که سرمایه انسانی یکی از مهم‌ترین پیش‌نیازهای توسعه در جوامع است. دلالت‌های عملی و سیاست-گذارانه تحقیق حاضر این است که با فرض محدودیت منابع در سیاست‌گذاری صحیح برای دستیابی به توسعه در جوامع متکی به منابع طبیعی، به‌ویژه منابع طبیعی نفت (نظیر جامعه ایران)، اولویت اول می‌تواند سرمایه‌گذاری بر سرمایه انسانی باشد تا مهم‌ترین کانال تأثیرگذاری منفی منابع طبیعی خنثی شود. ادبیات این حوزه (نظیر کار براو و ارتگا و دگرگوریو، ۲۰۰۵) نیز نشان داده است که با سرمایه‌گذاری انسانی می‌توان تأثیرات منفی شومی منابع را تضعیف یا در بهترین حالت خنثی کرد.

کتابنامه

۱. ابراهیمی، محسن و سالاریان، محمد (۱۳۸۸). بررسی پدیده نفرین منابع طبیعی در کشورهای صادرکننده نفت و تأثیر حضور در اوپک بر رشد اقتصادی کشورهای عضو آن. فصلنامه اقتصاد مقداری، دوره ۴، شماره ۱، ۷۷-۱۰۰.
۲. اسدی، زیور؛ بهرامی، جاوید و طالبلو، رضا (۱۳۹۲). تأثیر پدیده نفرین منابع بر توسعه مالی و رشد اقتصادی در قالب الگوی پانل پویا، فصلنامه پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، ۳(۱۰): ۲۶-۹.
۳. بهبودی، داود، اصغر پور، حسین و ممی پور، سیاب (۱۳۸۸). فراوانی منابع طبیعی، سرمایه انسانی و رشد اقتصادی در کشورهای صادرکننده نفت"، پژوهش‌های اقتصادی ایران، شماره ۴۰، صص ۱۲۵-۱۴۸.

۴. بهبودی، داود؛ اصغر پور، حسین و محمد لو، نویده (۱۳۹۱). نقش کیفیت نهادی بر رابطه وفور منابع طبیعی و رشد اقتصادی، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، ۲۰(۶۲): ۹۵-۱۱۶.
۵. پور جوان، عبدالله؛ شاه‌آبادی، ابوالفضل، قربان نژاد، مجتبی، امیری، حسین (۱۳۹۳). تأثیر وفور منابع طبیعی بر عملکرد حکمرانی کشورهای برگزیده نفتی و توسعه‌یافته: رویکرد پانل GMM، فصلنامه تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی، ۴(۱۶)، ۱-۳۲.
۶. جلیلی، زهرا و سلیمانی بیشک، محمدرضا (۱۳۹۷). مطالعه رابطه وفور منابع حکمرانی-رشد اقتصادی با تأکید بر نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات، فصلنامه علمی پژوهشی نظریه‌های کاربردی اقتصاد، ۵(۳) پیاپی ۱۸: ۱۳۷-۱۶۴.
۷. چلبی، م. (۱۳۹۵). جامعه‌شناسی نظم، تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی. تهران: نشر نی.
۸. چلبی، م. (۱۳۸۵). تحلیل اجتماعی در فضای کنش، تهران: نشر نی.
۹. درگاهی، ح. (۱۳۸۷). "رونق نفتی و چالش‌های توسعه اقتصادی (با تأکید بر ساختار تجارت و کاهش رقابت‌پذیری ایران"، تحقیقات اقتصادی، ۸۴(۸)، ۷۱-۹۲.
۱۰. رحمانی، ت. و گلستانی، م. (۱۳۸۸). "تحلیلی از نفرین منابع نفتی و رانت جویی بر توزیع درآمد در کشورهای منتخب نفت خیر"، تحقیقات اقتصادی، ۴۴(۸۹)، ۵۷-۸۶.
۱۱. رضایی، م.، یاور، ک.، عزتی، م. و اعتصامی، م. (۱۳۹۴). بررسی اثر وفور منابع طبیعی (نفت و گاز) بر سرکوب مالی و رشد اقتصادی از کانال اثرگذاری بر توزیع درآمد، فصلنامه اقتصاد انرژی ایران (اقتصاد محیط‌زیست و انرژی)، ۴(۱۴)، ۸۹-۱۲۲.
۱۲. صفاریان، ن. (۱۳۹۰). کانال‌های اثرگذاری درآمدهای نفتی بر رشد اقتصادی ایران از دیدگاه بلای منابع، (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، دانشگاه علامه طباطبائی (ره)، تهران، ایران.
۱۳. عبادی، ج.؛ نیکو نسبتی، ع. (۱۳۹۱). منابع طبیعی، نهادها، رشد اقتصادی، مجله برنامه‌ریزی و بودجه، ۴(۴)، ۱۲۷-۱۴۴.
۱۴. محمد زاده، م.؛ کندی، ی. (۱۳۸۸). بررسی فرضیه بلای منابع و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه مورد کشورهای صادرکننده نفت با تأکید بر کشور ایران)، (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، دانشگاه علامه طباطبائی (ره)، تهران، ایران.

۱۵. محمودی، و. (۱۳۸۶)، "رابطه رشد اقتصادی و توسعه انسانی"، *مجله سیاسی اقتصادی*، (۲۵۱) - (۲۵۲)، ۱۵۰-۱۵۷.
۱۶. معینی فرد، م.؛ مهر آرا، م. (۱۳۹۴). تأثیر وفور منابع طبیعی بر کیفیت حکمرانی کشورهای در حال توسعه، *فصلنامه سیاست گذاری پیشرفت اقتصادی دانشگاه الزهراء*، سال سوم (۹)، ۳۲-۹.
۱۷. مهر آرا، م.، کیخا، ع. (۱۳۸۷). نهاد، نفت و رشد اقتصادی در کشورهای متکی به نفت طی دور (۱۹۷۵-۲۰۰۵): روش پانل هم انباشتگی، *فصلنامه اقتصاد مقداری*، (۴) ۵، ۷۹-۵۵.
۱۸. هادیان، ا.، میر هاشمی، س. (۱۳۹۷). منابع طبیعی و رشد اقتصادی؛ آزمون نظریه فشار بزرگ در کشورهای در حال توسعه، *فصلنامه سیاست های مالی و اقتصادی*، (۲۱) ۵، ۲۱۰-۱۸۳.
۱۹. یاور، ک.، رضا قلی زاده، م.، آقایی، م. (۱۳۹۰). بررسی رشد اقتصادی در کشورهای وابسته به منابع طبیعی (با تأکید بر منابع نفتی)، *فصلنامه مدل سازی اقتصادی*، (۳) ۵، ۴۶-۲۵.
۲۰. یاور، ک.، سلمانی، ب. (۱۳۸۴). رشد اقتصادی در کشورهای دارای منابع طبیعی: مورد کشورهای صادرکننده نفت، *پژوهشنامه بازرگانی*، ۱۰ (۳۷): ۲۴-۱.
21. Acemoglu, D., Johnson, S., & Robinson, J. A. (2001). The colonial origins of comparative development: An empirical investigation. *American economic review*, 91(5), 1369-1401.
22. Ades, A. F., & Glaeser, E. L. (1999). Evidence on growth, increasing returns, and the extent of the market. *The Quarterly Journal of Economics*, 114(3), 1025-1045.
23. Adhvaryu, A., Fenske, J. E., Khanna, G., & Nyshadham, A. (2018). *Resources, conflict, and economic development in Africa* (No. w24309). National Bureau of Economic Research.
24. Ahmed, K., Mahalik, M. K., & Shahbaz, M. (2016). Dynamics between economic growth, labor, capital and natural resource abundance in Iran: An application of the combined cointegration approach. *Resources Policy*, 49, 213-221.
25. Alesina, A., & Rodrik, D. (1994). Distributive politics and economic growth. *The quarterly journal of economics*, 109(2), 465-490.
26. Alexeev, M., & Conrad, R. (2009). The elusive curse of oil. *The review of Economics and Statistics*, 91(3), 586-598.
27. Allcott, H., & Keniston, D. (2018). Dutch disease or agglomeration? The local economic effects of natural resource booms in modern America. *The Review of Economic Studies*, 85(2), 695-731.

28. Antonakakis, N., Cunado, J., Filis, G., Gabauer, D., & De Gracia, F. P. (2018). Oil volatility, oil and gas firms and portfolio diversification. *Energy Economics*, 70, 499-515.
29. Apergis, N., & Payne, J. E. (2014). The oil curse, institutional quality, and growth in MENA countries: Evidence from time-varying cointegration. *Energy Economics*, 46, 1-9.
30. Araji, S. M. (2014). *Essays on the macroeconomic effect of natural resource rents* (Doctoral dissertation). The University of Wisconsin-Milwaukee, Milwaukee, United States.
31. Arezki, R., & Gylfason, T. (2011). Commodity Price Volatility, Democracy, and Economic Growth. In *Economic Growth and Development* (Vol. 11, pp. 9-24). Emerald Group Publishing Limited.
32. Arezki, R., & Van der Ploeg, F. (2011). Do natural resources depress income per capita?. *Review of Development Economics*, 15(3), 504-521.
33. Arif, U., Usman, M., & Khan, F. N. (2021). Natural resource rents and internal conflict: the role of institutional quality. *The Singapore Economic Review*, 1-21.
34. Aslaksen, S. (2007). Corruption and oil: Evidence from panel data. *Unpublished Manuscript*. Available at: <http://folk.uio.no/siljeas/Corruption.pdf>. Accessed 28 December 2010.
35. Atkinson, G., & Hamilton, K. (2003). Savings, growth and the resource curse hypothesis. *World development*, 31(11), 1793-1807.
36. Auty, R. M. (1993). *Sustaining development in mineral economies: the resource curse thesis*. Routledge.
37. Auty, R. M. (1988). Oil-exporters' disappointing diversification into resource-based industry: The external causes. *Energy policy*, 16(3), 230-242.
38. Auty, R. M. (1991a). Mismanaged mineral dependence: Zambia 1970-90. *Resources Policy*, 17(3), 170-183.
39. Auty, R. M. (1991b). Resource-based industry in boom, downswing and liberalization: Mexico. *Energy policy*, 19(1), 13-23.
40. Auty, R. M. (2001). Transition reform in the mineral-rich Caspian region countries. *Resources Policy*, 27(1), 25-32.
41. Auty, R. M. (2003). Third time lucky for Algeria? Integrating an industrializing oil-rich country into the global economy. *Resources Policy*, 29(1-2), 37-47.
42. Auty, R. M., & Furlonge, H. I. (2019). *The rent curse: Natural resources, policy choice, and economic development*. Oxford University Press, USA.
43. Badeeb, R. A., Lean, H. H., & Clark, J. (2017). The evolution of the natural resource curse thesis: A critical literature survey. *Resources Policy*, 51, 123-134.

44. Badeeb, R. A., Lean, H. H., & Smyth, R. (2016). Oil curse and finance–growth nexus in Malaysia: The role of investment. *Energy Economics*, 57, 154-165.
45. Baland, J. M., & Francois, P. (2000). Rent seeking and Resource booms, *Journal of Development Economics*, 61, 527-42.
46. Balassa, B. A. (1980). *The process of industrial development and alternative development strategies* (Vol. 141). Washington, DC: World Bank.
47. Barro, R. J., & Lee, J. W. (2013). A new data set of educational attainment in the world, 1950–2010. *Journal of development economics*, 104, 184-198.
48. Basedau, M., & Lay, J. (2009). Resource curse or rentier peace? The ambiguous effects of oil wealth and oil dependence on violent conflict. *Journal of peace research*, 46(6), 757-776.
49. Bellows, J., & Miguel, E. (2009). War and local collective action in Sierra Leone. *Journal of public Economics*, 93(11-12), 1144-1157.
50. Berge, K. et al. (1994); "Trade and Development Strategy Options for the Poorest Countries: A Preliminary Investigation", *Institute of Development Studies*, Working Paper, 12.
51. Bhattacharyya, S., & Hodler, R. (2010). Natural resources, democracy and corruption. *European Economic Review*, 54(4), 608-621.
52. Bhattacharyya, S., & Hodler, R. (2014). Do natural resource revenues hinder financial development? The role of political institutions. *World Development*, 57, 101-113.
53. Blanco, L., & Grier, R. (2012). Natural resource dependence and the accumulation of physical and human capital in Latin America. *Resources Policy*, 37(3), 281-295.
54. Bove, V., & Elia, L. (2017). Migration, diversity, and economic growth. *World Development*, 89, 227-239.
55. Bravo-Ortega, C., & De Gregorio, J. (2007). The relative richness of the poor? Natural resources, human capital, and economic growth. *Lederman and Maloney*, 71-103.
56. Buccellato, T., & Mickiewicz, T. (2009). Oil and gas: a blessing for the few. Hydrocarbons and inequality within regions in Russia. *Europe-Asia Studies*, 61(3), 385-407.
57. Bulte, E. H., Damania, R., & Deacon, R. T. (2004). *Resource abundance, poverty and development* (No. 854-2016-56192).
58. Carbonnier, G., & Wagner, N. (2011). Oil, Gas and Minerals: The Impact of Resource-Dependence and Governance on Sustainable Development. *ISS Staff Group 1: Economics of Sustainable Development*. Retrieved from <http://hdl.handle.net/1765/34807>

59. Charles, A. (2007). Linking Natural Capital and Physical Capital: A Review of Renewable Resource Investment Models, *Advances in Fisheries Economics*, Edited by Trond Bjorndal, Daniel V. Gordon and Rangar Arnason et al., Blackwell Publishing Ltd, pp.119-136.
60. Christensen, D. (2019). Concession stands: How mining investments incite protest in Africa. *International organization*, 73(1), 65-101.
61. Churchill, S. A., & Smyth, R. (2017). Ethnic diversity and poverty. *World Development*, 95, 285-302.
62. Collier, P. Anke Hoeffler. (1998). On economic causes of civil war. *Oxford economic papers*, 50(4), 563-573
63. Collier, P., & Hoeffler, A. (2004). Greed and grievance in civil war. *Oxford economic papers*, 56(4), 563-595.
64. Conrad, J. M., Greene, K. T., Walsh, J. I., & Whitaker, B. E. (2019). Rebel natural resource exploitation and conflict duration. *Journal of Conflict Resolution*, 63(3), 591-616.
65. Corden, W. M. (1984). Booming sector and Dutch disease economics: survey and consolidation. *oxford economic Papers*, 36(3), 359-380.
66. Corden, W. M., & Neary, J. P. (1982). Booming sector and de-industrialisation in a small open economy. *The economic journal*, 92(368), 825-848.
67. Damodar, N. (2004). *Basic econometrics: Student solutions manual for use with Basic econometrics.-4th*. McGraw-Hill.
68. Daniele, V. (2011). Natural resources and the 'quality' of economic development. *the Journal of Development studies*, 47(4), 545-573.
69. David Alan Aschauer, 1990. "Why is infrastructure important?" Conference Series ; [Proceedings], Federal Reserve Bank of Boston, vol. 34, pages 21-68.
70. Davies, A., & Quinlivan, G. (2006). A panel data analysis of the impact of trade on human development. *The Journal of Socio-Economics*, 35(5), 868-876.
71. Davis, G. A. (1995). Learning to love the Dutch disease: Evidence from the mineral economies. *World development*, 23(10), 1765-1779.
72. De Long, J.B., J.G. Williamson, (1994). Natural Resources and Convergence. In: *The Nineteenth and Twentieth Centuries. Unpublished paper*, Harvard University
73. De Soysa, I. (2000). *The Resource Curse: are civil wars driven by rapacity or paucity. Greed and Grievance: economic agendas in civil wars*, London: Lynne Rienner publishers Inc.
74. Démurger, S. (2001). Infrastructure development and economic growth: an explanation for regional disparities in China?. *Journal of Comparative economics*, 29(1), 95-117.

75. Denly, M., Findley, M., Hall, J., Stravers, A., & Walsh, J. I. (2019). Natural Resources and Civil Conflict: Evidence From a New, Georeferenced Dataset. *University of Texas at Austin, Innovations for Peace and Development*.
76. Di John, J. (2007). Oil abundance and violent political conflict: A critical assessment. *The Journal of Development Studies*, 43(6), 961-986.
77. Ding, N., & Field, B. C. (2005). Natural resource abundance and economic growths. *Land Economics*, 81(4), 496-502.
78. Drake, P. J. (1972). Natural resources versus foreign borrowing in economic development. *The Economic Journal*, 82(327), 951-962.
79. Durlauf, S. N., & Johnson, P. A. (1995). Multiple regimes and cross-country growth behaviour. *Journal of applied econometrics*, 10(4), 365-384.
80. Dwumfour, R. A., & Ntow-Gyamfi, M. (2018). Natural resources, financial development and institutional quality in Africa: is there a resource curse?. *Resources Policy*, 59, 411-426.
81. Everhart, S. S. (2010). The resource curse and private investment: a theoretical model of the impact of corruption. *Education, Business and Society: Contemporary Middle Eastern Issues*, 3(2), 117-135.
82. Fan, S., & Zhang, X. (2009). Infrastructure and regional economic development in rural China. In *Regional Inequality in China* (pp. 177-189). Routledge.
83. Farhadi, M., Islam, M. R., & Moslehi, S. (2015). Economic freedom and productivity growth in resource-rich economies. *World Development*, 72, 109-126.
84. Fayissa, B., & Nsiah, C. (2013). The impact of governance on economic growth in Africa. *The Journal of Developing Areas*, 91-108.
85. Fearon, J. D., & Laitin, D. D. (2003). Ethnicity, insurgency, and civil war. *American political science review*, 97(1), 75-90.
86. Feenstra, R. C., Inklaar, R., & Timmer, M. P. (2015). The next generation of the Penn World Table. *American economic review*, 105(10), 3150-3182.
87. Fleisher, B. M., & Chen, J. (1997). The coast-noncoast income gap, productivity, and regional economic policy in China. *Journal of comparative economics*, 25(2), 220-236.
88. Freeman, D. G. (2009). The 'Resource Curse' and regional US development. *Applied Economics Letters*, 16(5), 527-530.
89. Garfinkel, M. R., & Skaperdas, S. (2000). Conflict without misperceptions or incomplete information: how the future matters. *Journal of conflict resolution*, 44(6), 793-807.
90. Gavin, M., & Hausmann, R. (1998). Nature, development and distribution in Latin America: evidence on the role of geography, climate and natural resources. *IADB, Research Department Working Paper*, (378).

91. Gazdar, K., Hassan, M. K., Safa, M. F., & Grassa, R. (2019). Oil price volatility, Islamic financial development and economic growth in Gulf Cooperation Council (GCC) countries. *Borsa Istanbul Review*, 19(3), 197-206.
92. Gelb, A. H. (1988). *Oil windfalls: Blessing or curse?*. Oxford university press.
93. Gerelmaa, L., & Kotani, K. (2016). Further investigation of natural resources and economic growth: do natural resources depress economic growth?. *Resources Policy*, 50, 312-321.
94. Gizelis, T. I., & Wooden, A. E. (2010). Water resources, institutions, & intrastate conflict. *Political Geography*, 29(8), 444-453.
95. Goderis, B., & Malone, S. W. (2011). Natural resource booms and inequality: theory and evidence. *Scandinavian Journal of Economics*, 113(2), 388-417.
96. Goel, R. K., & Korhonen, I. (2009). Composition of exports and cross-country corruption. BOFIT Discussion Paper No. 5/2009, Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=1427807>
97. Guo, H., & Kliesen, K. L. (2005). Oil price volatility and US macroeconomic activity. *Review-Federal Reserve Bank of Saint Louis*, 87(6), 669.
98. Gylfason, T. (2001). Natural resources, education, and economic development. *European economic review*, 45(4-6), 847-859.
99. Gylfason, T., & Zoega, G. (2006). Natural resources and economic growth: The role of investment. *World Economy*, 29(8), 1091-1115.
100. Habakkuk, H. J. (1962). *American and British technology in the nineteenth century: the search for labour saving inventions*. Cambridge University Press.
101. Henriques, I., & Sadorsky, P. (2011). The effect of oil price volatility on strategic investment. *Energy Economics*, 33(1), 79-87.
102. Higgins, B. (1968). *Economic Development: Problems, Principles and Policies*. Rev. Ed. WW Norton.
103. Hodler, R. (2006). The curse of natural resources in fractionalized countries. *European Economic Review*, 50(6), 1367-1386.
104. Hooshmand, M., SM, S. A. H., & Rajabzadeh Moghani, N. (2013). Oil rents, institutions and financial development: Case study of selected oil exporting countries. *Research Journal of Recent Sciences ISSN*, 2277, 2502.
105. Howie, P., & Atakhanova, Z. (2014). Resource boom and inequality: Kazakhstan as a case study. *Resources policy*, 39, 71-79.
106. Humphreys, M. (2005). Natural resources, conflict, and conflict resolution: Uncovering the mechanisms. *Journal of conflict resolution*, 49(4), 508-537.
107. Hussain, M., Ye, Z., Bashir, A., Chaudhry, N. I., & Zhao, Y. (2021). A nexus of natural resource rents, institutional quality, human capital, and financial development in resource-rich high-income economies. *Resources Policy*, 74, 102259.

108. Iimi, A. (2007). Escaping from the Resource Curse: Evidence from Botswana and the Rest of the World. *IMF Staff Papers*, 54(4), 663-699.
109. Isham, J., Woolcock, M., Pritchett, L., & Busby, G. (2005). The varieties of resource experience: natural resource export structures and the political economy of economic growth. *The World Bank Economic Review*, 19(2), 141-174.
110. James, A., & Aadland, D. (2011). The curse of natural resources: An empirical investigation of US counties. *Resource and Energy Economics*, 33(2), 440-453.
111. Karl, T. L. (1997). *The paradox of plenty: Oil booms and petro-states* (Vol. 26). Berkeley, Univ of California Press.
112. Karl, T. L. (2007). Oil-led development: social, political, and economic consequences. *Encyclopedia of energy*, 4(8), 661-672.
113. Kaufmann, Daniel; Kraay, Aart; Mastruzzi, Massimo .(2010). *The worldwide governance indicators : methodology and analytical issues (English)*. Policy Research working paper ; no. WPS 5430 Washington, D.C.
114. Kim, D. H., Lin, S. C., & Suen, Y. B. (2016). Trade, growth and growth volatility: New panel evidence. *International Review of Economics & Finance*, 45, 384-399.
115. Konte, M. (2013). A curse or a blessing? Natural resources in a multiple growth regimes analysis. *Applied Economics*, 45(26), 3760-3769.
116. Kurronen, S. (2015). Financial sector in resource-dependent economies. *Emerging Markets Review*, 23, 208-229.
117. Kurtz, M. J., & Brooks, S. M. (2011). Conditioning the “resource curse”: globalization, human capital, and growth in oil-rich nations. *comparative political studies*, 44(6), 747-770.
118. La Porta, R. Lopez-de-Silanes, F. Shleifer, A. & Vishny, R. W. (1998). Law and finance. *Journal of Political Economy*, 106(6), 1113-1155.
119. La Porta, R., Lopez-de-Silanes, F., Shleifer, A., & Vishny, R. W. (1997). Legal determinants of external finance. *The journal of finance*, 52(3), 1131-1150.
120. Lam, R., & Wantchekon, L. (2003). Political dutch disease. Manuscript. New York: Department of Politics, New York University.
121. Leamer, E. E., Maul, H., Rodriguez, S., & Schott, P. K. (1999). Does natural resource abundance increase Latin American income inequality?. *Journal of development Economics*, 59(1), 3-42.
122. Lederman, D., & Maloney, W. F. (2007). Neither curse nor destiny: Introduction to natural resources and development. *Natural resources: Neither curse nor destiny*, 1-14.

123. Lederman, D., Maloney, W. (2007). *Natural Resources: Neither Curse nor Destiny*. Washington DC, Stanford University Press.
124. Leenders, R., & Sfakianakis, J. (2003). Middle East and North Africa. Transparency International, *Global Corruption Report*, 2003, 203-14.
125. Leite, M. C., & Weidmann, J. (1999). *Does mother nature corrupt? Natural resources, corruption, and economic growth*. International Monetary Fund.
126. Liu, Y. (2014). Is the natural resource production a blessing or curse for China's urbanization? Evidence from a space-time panel data model. *Economic Modelling*, 38, 404-416.
127. Lujala, P. (2009). Deadly combat over natural resources: Gems, petroleum, drugs, and the severity of armed civil conflict. *Journal of Conflict Resolution*, 53(1), 50-71.
128. Lujala, P. (2010). The spoils of nature: Armed civil conflict and rebel access to natural resources. *Journal of peace research*, 47(1), 15-28.
129. Lujala, P., Gleditsch, N. P., & Gilmore, E. (2005). A diamond curse? Civil war and a lootable resource. *Journal of Conflict Resolution*, 49(4), 538-562.
130. Mainguy, C. (2011). Natural resources and development: The gold sector in Mali. *Resources Policy*, 36(2), 123-131.
131. Marques, A.C.; Fuinhas, J.A. and Gaspar, J.S. (2016). On the Nexus of Energy Use - Economic Development: A Panel Approach. *Energy Procedia*, 106: 225-234.
132. Masih, R., Peters, S., & De Mello, L. (2011). Oil price volatility and stock price fluctuations in an emerging market: Evidence from South Korea. *Energy Economics*, 33(5), 975-986.
133. Mavrotas, G., Murshed, S. M., & Torres, S. (2011). Natural resource dependence and economic performance in the 1970–2000 period. *Review of Development Economics*, 15(1), 124-138.
134. McDonald, and Gary, I. (2003). Integrated approaches to peacebuilding in africa's Petro-states, *trocaille development review*, Dublin: 87-103.
135. McFerson, H. M. (2010). Extractive industries and African democracy: can the "resource curse" be exorcised?. *International Studies Perspectives*, 11(4), 335-353.
136. Mehlum, H., Moene, K., Torvik, R. (2006). Institutions and the resource curse, *Economic Journal*, 116(508), 1-20.
137. Mo, P. H. (2000). Income inequality and economic growth. *Kyklos*, 53(3), 293-315.
138. Mo, P. H. (2001). Corruption and economic growth. *Journal of comparative economics*, 29(1), 66-79.
139. Moore, Mick. (1998). *Death without Taxes: Democracy, State Capacity, and Aid Dependence in the Fourth World*, in Mark Robinson and Gordon White

- (eds.), *The Democratic Developmental State: Politics and Institutional Design*, Oxford University Press.
140. Moshiri, S., & Hayati, S. (2017). Natural resources, institutions quality, and economic growth; a cross-country analysis. *Iranian Economic Review*, 21(3), 661-693.
141. North, D. C., Wallis, J. J., Webb, S. B., & Weingast, B. R. (Eds.). (2013). *In the shadow of violence: Politics, economics, and the problems of development*. Cambridge University Press.
142. Olayungbo, D. O. (2019). Effects of global oil price on exchange rate, trade balance, and reserves in Nigeria: A frequency domain causality approach. *Journal of Risk and Financial Management*, 12(1), 43.
143. Ouoba, Y. (2016). Natural resources: Funds and economic performance of resource-rich countries. *Resources Policy*, 50, 108-116.
144. Papyrakis, E., & Gerlagh, R. (2004). The resource curse hypothesis and its transmission channels. *Journal of Comparative Economics*, 32(1), 181-193.
145. Papyrakis, E., & Gerlagh, R. (2007). Resource abundance and economic growth in the United States. *European Economic Review*, 51(4), 1011-1039.
146. Papyrakis, E., & Mo, P. H. (2014). Fractionalization, polarization, and economic growth: identifying the transmission channels. *Economic Inquiry*, 52(3), 1204-1218.
147. Parcero, O. J., & Papyrakis, E. (2016). Income inequality and the oil resource curse. *Resource and Energy Economics*, 45, 159-177.
148. Parlee, B. L. (2015). Avoiding the resource curse: indigenous communities and Canada's oil sands. *World Development*, 74, 425-436.
149. Pawson, R. (2000). Middle-range realism. *European Journal of Sociology/Archives Européennes de Sociologie*, 41(2), 283-325.
150. Pegg, S. (2010). Is there a Dutch disease in Botswana?. *Resources Policy*, 35(1), 14-19.
151. Pendergast, S. M., Clarke, J. A., & Van Kooten, G. C. (2011). Corruption, development and the curse of natural resources. *Canadian Journal of Political Science/Revue canadienne de science politique*, 44(2), 411-437.
152. Pineda, J. G., & Rodríguez, F. (2011). Curse or blessing? Natural resources and human development.
153. Ploeg, F. V. D. (2011). Natural resources: curse or blessing?. *Journal of Economic literature*, 49(2), 366-420.
154. Quixina, Y., & Almeida, A. (2014). Financial development and economic growth in a natural resource based economy: Evidence from Angola. *FEP-UP, School of Economics and Management, University of Porto*.
155. Ranis, G. (2004). Human development and economic growth. Available at SSRN 551662.

156. Robinson, J. A., Torvik, R., & Verdier, T. (2006). Political foundations of the resource curse. *Journal of development Economics*, 79(2), 447-468.
157. Ross, M. L. (2001). Does oil hinder democracy?. *World politics*, 53(3), 325-361.
158. Ross, M. L. (2007). How mineral-rich states can reduce inequality. *Escaping the resource curse*, 23775, 237-55.
159. Ross, M., & Mahdavi, P. (2015). Oil and gas data, 1932-2014. <https://doi.org/10.7910/DVN/ZTPW0Y>
160. Sachs, J. D., & Warner, A. (1995). Natural resource abundance and economic growth.
161. Sala-i-Martin, X., & Subramanian, A. (2013). Addressing the natural resource curse: An illustration from Nigeria. *Journal of African Economies*, 22(4), 570-615.
162. Salim, R., & Rafiq, S. (2011). The impact of crude oil price volatility on selected Asian emerging economies. In *Proceedings of global business and social science research conference* (pp. 1-33). World Business Institute Australia.
163. Schubert, S. R. (2006). Revisiting the oil curse: are oil rich nations really doomed to autocracy and inequality?.
164. Shahbaz, M., Destek, M. A., Okumus, I., & Sinha, A. (2019). An empirical note on comparison between resource abundance and resource dependence in resource abundant countries. *Resources Policy*, 60, 47-55.
165. Sharma, C., & Mishra, R. K. (2022). On the good and bad of natural resource, corruption, and economic growth nexus. *Environmental and Resource Economics*, 82(4), 889-922.
166. Sini, S., Abdul-Rahim, A. S., & Sulaiman, C. (2021). Does natural resource influence conflict in Africa? Evidence from panel nonlinear relationship. *Resources Policy*, 74, 102268.
167. Smith, B. (2006). The wrong kind of crisis: why oil booms and busts rarely lead to authoritarian breakdown. *Studies in Comparative International Development*, 40, 55-76.
168. Sorens, J. (2011). Mineral production, territory, and ethnic rebellion: The role of rebel constituencies. *Journal of Peace Research*, 48(5), 571-585.
169. Stevens, P. (2003). Resource impact: curse or blessing? A literature survey. *Journal of Energy Literature*, 9(1), 3-42.
170. Theisen, O. M. (2012). Climate clashes? Weather variability, land pressure, and organized violence in Kenya, 1989–2004. *Journal of peace research*, 49(1), 81-96.
171. Thies, C. G. (2010a). Of rulers, rebels, and revenue: State capacity, civil war onset, and primary commodities. *Journal of peace research*, 47(3), 321-332.

172. Thies, C. G. (2010b). Of rulers, rebels, and revenue: State capacity, civil war onset, and primary commodities. *Journal of peace research*, 47(3), 321-332.
173. Tornell, A., & Lane, P. R. (1999). The voracity effect. *American economic review*, 89(1), 22-46.
174. Torvik, R. (2001). Learning by doing and the Dutch disease. *European economic review*, 45(2), 285-306.
175. Torvik, R. (2002). Natural resources, rent seeking and welfare. *Journal of development economics*, 67(2), 455-470.
176. Tsui, K. (2011). More oil, less democracy: Evidence from worldwide crude oil discoveries. *Economic Journal*, 121(551), 89-115.
177. Urdal, H. (2005). People vs. Malthus: Population pressure, environmental degradation, and armed conflict revisited. *Journal of Peace Research*, 42(4), 417-434.
178. Urdal, H. (2008). Population, Resources, and Political Violence: A Subnational Study of India, 1956–2002. *Journal of Conflict Resolution*, 52(4), 590–617.
179. Vadlamannati, K. C. (2011). Why Indian men rebel? Explaining armed rebellion in the northeastern states of India, 1970–2007. *Journal of Peace Research*, 48(5), 605-619.
180. Vandebussche, J., Aghion, P., & Meghir, C. (2006). Growth, distance to frontier and composition of human capital. *Journal of economic growth*, 11, 97-127.
181. Vandycke, N. (2013). Natural resources, physical capital and institutions: evidence from Eurasia. *World Bank Policy Research Working Paper*, (6586), pp.1-27.
182. Vesco, P., Dasgupta, S., De Cian, E., & Carraro, C. (2020). Natural resources and conflict: A meta-analysis of the empirical literature. *Ecological Economics*, 172, 106633.
183. Vicente, P. C. (2010). Does oil corrupt? Evidence from a natural experiment in West Africa. *Journal of development Economics*, 92(1), 28-38.
184. Wagener, H. J. (2004). Good governance, welfare, and transformation. *The European Journal of Comparative Economics*, 1(1), 127.
185. Wantchekon, L. (2002). Why do resource dependent countries have authoritarian governments?. *Journal of African Finance and Economic Development*, 5(2), 57-77.
186. Welsch, H. (2008). Resource abundance and internal armed conflict: Types of natural resources and the incidence of 'new wars'. *Ecological Economics*, 67(3), 503-513.
187. Wheeler, D. (1984). Sources of stagnation in sub-Saharan Africa. *World development*, 12(1), 1-23.

188. Wijnbergen, S. V. (1984). The Dutch Disease': a disease after all?. *The economic journal*, 94(373), 41-55.
189. Williams, A. (2011). Shining a light on the resource curse: An empirical analysis of the relationship between natural resources, transparency, and economic growth. *World Development*, 39(4); 490–505
190. Williams, A. (2011). Shining a light on the resource curse: An empirical analysis of the relationship between natural resources, transparency, and economic growth. *World Development*, 39(4), 490-505.
191. Yao, X.J., Dang, J., 2019. Research on the impact of natural resources on economic growth from the perspective of industrial structure. *Journal of Xi'an Shiyu University (Social Science Edition)*, 28(6), 21–29.
192. Zagozina, M. (2014). The Resource Curse Paradox: natural resources and economic development in the former Soviet countries.
193. Zuo, N., & Jack, S. (2014). *Are resources a curse? An investigation of Chinese provinces* (No. 1374-2016-109295).